

Feasibility of the Impact of Media on Criminal Policy-Making Regarding Hate Crimes

Mosayeb Ghadami Azizabad: PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran (Corresponding author), Babolsar, Iran.

email: Mosayeb.ghadami@yahoo.com

Azadeh Sadeghi: Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. **email:** sadeghiazade@yahoo.com

Seyed Ebrahim Ghodsi: Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. **email:** ghodsi@umz.ac.ir

Hate crime is a type of crime whose policymaking is clearly influenced by media activities. Due to its unique nature, it is always committed against a person or group possessing distinct characteristics. Using an analytical-descriptive method, particularly qualitative content analysis, this article examines the foundations of media influence on policymaking regarding hate crimes. Specifically, it analyzes the possible impact of the documentary “And the Spider Came” and the films “Spider” and “Holy Spider,” which are adaptations of one of the most significant examples of hate crime: the serial murder case of Saeed Hanaei, who killed street women motivated by hatred.

The study seeks to answer whether such media activities can influence criminal policymaking concerning hate crimes. Therefore, the purpose of this research is to explain how media can influence criminal policymaking regarding hate crimes. The findings indicate that such media content has the capacity to influence criminal policymakers by introducing street women as one of the important components of hate crime and by presenting a support-oriented approach emphasizing rule of law and rejecting all forms of social disorder. Furthermore, by distinguishing between considering sex work as a right and recognizing the necessity of protecting the lives of sex workers, these media productions have persuaded moral entrepreneurs in society who may perceive the conceptual expansion of hate crime to include such individuals as a form of legitimization of that practice.

However, challenges such as media dependency, inability to create influence based on scientific approaches, and emphasis on populist storytelling have limited the speed and quality of this influence on criminal policymaking.

Keywords: Media, criminal policymaking, hate crime, Spider, Holy Spider.

How to cite this paper: Ghadami Azizabad , M., Sadeghi, A., & Ghodsi, S. A. (2026). Feasibility of the Impact of Media on Criminal Policy-Making Regarding Hate Crimes. *Rasaneh*, 37(1), 155-183. **[In persian]**

امکان‌سنجی تأثیر رسانه بر سیاست‌گذاری کیفری جرایم ناشی از نفرت

نوشتۀ

مصیب قدمی عزیزآباد*

آزاده صادقی**

سید ابراهیم قدسی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳

چکیده

جرم ناشی از نفرت جرمی است که سیاست‌گذاری راجع به آن به‌طرز آشکاری متأثر از فعالیت‌های رسانه‌ای است، جرمی که به‌دلیل ماهیت خاصش همیشه علیه شخص یا گروهی که دارای ویژگی متفاوتی است ارتکاب می‌یابد. در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی و به‌ویژه روش تحلیل محتوای کیفی، افزون بر تحلیل مبانی تأثیرگذاری رسانه بر سیاست‌گذاری جرایم ناشی از نفرت، به‌صورت خاص امکان‌سنجی تأثیر سه محتوای رسانه‌ای یعنی مستند "و عنکبوت آمد" و فیلم‌های "عنکبوت و عنکبوت مقدس" که اقتباسی هستند از یکی از مهم‌ترین مصادیق جرم ناشی از نفرت یعنی پرونده قتل‌های سریالی سعید حنایی که زنان خیابانی را با انگیزه نفرت به قتل می‌رساند مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که آیا امکان تأثیر فعالیت‌های رسانه‌ای فوق بر سیاست‌گذاری کیفری جرم ناشی از نفرت وجود دارد؟ از این رو هدف این پژوهش بیان چگونگی تأثیر رسانه بر سیاست‌گذاری کیفری جرایم ناشی از نفرت است. نتایج حاصل از این پژوهش به این شرح است که چنین محتواهای رسانه‌ای به‌دلیل ایفای نقش در شناساندن زنان خیابانی به سیاست‌گذاران کیفری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم جرم ناشی از نفرت و همچنین ارائه یک رویکرد مبتنی بر حمایت از طریق تأکید بر قانون‌مداری و نفی هرگونه هرج و مرج در جامعه ظرفیت تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران کیفری را دارند؛ از طرفی با به‌نمایش گذاشتن تفکیک بین حق پنداشتن کار جنسی و ضرورت حمایت از جان کارگران جنسی، کارفرمایان اخلاقی در جامعه را که ممکن است توسعه مفهومی جرم ناشی از نفرت به چنین افرادی را نوعی به رسمیت شناختن چنین عملی بدانند قانع کرده‌اند. با این حال چالش‌هایی چون وابستگی رسانه، ناتوانی در تأثیرگذاری مبتنی بر رویکردهای علمی و تأکید بر روایت‌گری پوپولیستی شتاب و کیفیت این تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری کیفری را محدود کرده است.

کلیدواژه: رسانه، سیاست‌گذاری کیفری، جرم ناشی از نفرت، عنکبوت، عنکبوت مقدس.

* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران (نویسنده

مسئول)، بابلسر، ایران mosayeb.ghadami@yahoo.com

** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

sadeghiazade@yahoo.com

*** دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

ghodsi@umz.ac.ir

نحوه استناد به مقاله: قدمی عزیزآباد، مصیب؛ صادقی، آزاده و قدسی، سید ابراهیم (۱۴۰۵). امکان‌سنجی تأثیر

رسانه بر سیاست‌گذاری کیفری جرایم ناشی از نفرت، رسانه، ۳۷(۱)، ۱۵۵-۱۸۳.

مقدمه

امروزه رسانه‌ها نقش پررنگی در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی بشر دارند؛ به این معنی که هیچ‌گونه سیاست‌گذاری را بدون توجه به رسانه‌ها و دخیل دانستن قدرت آن‌ها نمی‌توان به‌منصه ظهور رساند. رسانه‌ها به‌دلیل گستره نفوذشان و نیز دارا بودن متخصصان در حوزه‌های مختلف، قادر خواهند بود نه تنها به عقاید و افکار عمومی شکل بدهند (سن^۱، ۲۰۱۱: ۹۵)، بلکه سیاست‌گذاران را در تدوین و تغییر سیاست‌ها ترغیب کنند.

حال یکی از مهم‌ترین بعدهای تأثیرپذیر سیاست‌گذاری رسانه‌ها، "سیاست‌گذاری کیفری"^۲ است؛ به این معنی که رسانه‌ها از طریق "تولید گفتمانی"^۳ که به‌وسیله نمادسازی ایجاد می‌شود (هال^۴، ۱۹۸۰: ۱۶۳)، بسته به پشتوانه‌های سیاسی و اخلاقی و نیز میزان استقلال و وابستگی آن‌ها، به‌عنوان یک عامل مهم در به‌وجود آوردن واکنش‌های کیفری، سخت‌گیری یا تساهل و تضییق یا گسترش هنجارهای قانونی نقش اساسی دارند.

یکی از جرم‌هایی که سیاست‌گذاری راجع به آن از پیچیدگی بیشتری نسبت به دیگر جرم‌ها به‌ویژه در رسانه‌ها برخوردار است، "جرم ناشی از نفرت"^۵ است؛ جرمی که انگیزه وقوع آن، داشتن حس تنفر نسبت به افراد یا گروه‌های دارای ویژگی متفاوت از قبیل رنگ، نژاد، قومیت، زبان، طرفداری، مذهب و غیره است. رسانه‌ها به‌عنوان ابزاری قدرتمند، به‌دلیل ناشناس ماندن مجرم و سهولت در ارتکاب جرم‌های ناشی از نفرت، بستر مناسبی برای ارتکاب این جرم‌ها هستند (مولر و شوارتز^۶، ۲۰۲۱: ۳؛ یسمن^۷ و همکاران، ۲۰۲۳: ۲۷).

به‌طور کلی، نفرت سایبری با استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی تقویت می‌شود و منجر به گسترش کلیشه‌ها و آسیب‌های بدتر می‌شود. ارتباط این موضوع در تأثیرهای واقعی آن نهفته است: جرم‌های ناشی از نفرت، تجاوزهای غیر برخط، تبعیض، نگرش‌های نژادپرستانه، پیامدهای دموکراتیک، تشدید خشونت جنسیتی و دیگر موارد مشابه که هم‌زیستی و سلامت روانی قربانیان، تماشاچیان یا مرتکبان را تحت تأثیر قرار می‌دهند (کاستانو پولگرین^۸ و همکاران، ۲۰۲۱: ۵) با این وجود، نمی‌توان نقش رسانه‌ها را به‌عنوان ابزاری برای پیشگیری از ارتکاب این جرم‌ها و رهیافتی در جهت سوق دادن سیاست‌گذاری کیفری به سمت اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر

1. Sen
2. Penal Policy Making
3. Discursive Production
4. Hall
5. Hate crimes
6. Muller & Schwarz
7. Yesmen
8. Castano-Pulgarin

ظرفیت‌های انتقال از "عدالت کیفری" ^۱ به "عدالت ترمیمی" ^۲ نادیده گرفت.

یکی از عوامل مهم در پوشش خبری رسانه‌ها و نیز برجسته کردن وقایع، داشتن "ارزش خبری" ^۳ است؛ برای این‌که این وقایع ارزش خبری داشته باشند، باید یک یا چند شرط از شرط‌های ارزش خبری مانند خبر بد بودن، درگیری، غیرعادی بودن، سرگرمی، انحصارگرایی، بزرگی و غیره را داشته باشند (هارکپ و اونیل ^۴، ۲۰۱۶: ۱۴۸۲). حال در جرم‌های ناشی از نفرت، به دلیل آن‌که شرط‌هایی چون پرداختن به تفاوت‌ها، روایت‌گری تبعیض علیه اقلیت و پرداختن به اخبار بد وجود دارد، این موضوعات دارای ارزش خبری بالایی برای رسانه‌ها هستند. این ارزش خبری موجب شده است که رسانه‌ها بنا به دلیل‌هایی چون فشار افکار عمومی و راضی نگه داشتن کارفرمایان اخلاقی، نقش مهمی در جهت‌دهی به سیاست‌های کیفری در قبال این جرم‌ها داشته باشند.

رسانه‌ها با شیطان جلوه دادن مجرمان و شخصیت نمادین دادن به قربانی جرم‌های ناشی از نفرت و ترویج این جرم‌ها به عنوان منبع "هراس اخلاقی" ^۵، بر رشد سیاست‌های سخت‌گیرانه کیفری تأثیر گذاشته‌اند (لوئیس ^۶، ۱۳۹۹: ۶۴). میزان و چگونگی تأثیر رسانه‌ها بر هدف آن‌ها در جهت‌دهی به سیاست‌گذاری کیفری، تابعی از میزان استقلال یا وابستگی رسانه‌ها به گروه‌های صاحب قدرت است؛ به این معنی که اگر رسانه‌ها وابسته به گروه اکثریت باشند، نه تنها روایت‌گری خود را از عمل‌های ارتكابی با عنوان جرم ناشی از نفرت نشان نمی‌دهند، بلکه ممکن است روایت آن‌ها از وقایع مذکور در جهت تثبیت جایگاه و ویژگی متفاوت گروه اکثریت باشد و در پی القای سیاست‌های کیفری و غیرکیفری در جهت استحکام بخشی به جایگاه این گروه باشند؛ چراکه رسانه‌ها "به عنوان سلاح ایدئولوژیک در مبارزه مداوم برای [حفظ] سلطه [خود] عمل می‌کنند" (گرییر ^۷، ۲۰۱۳: ۱۶۲).

در نقطه مقابل این رویکرد، اگر رسانه‌ها وابسته به گروه‌های قدرت اکثریت نباشند، نگرش آن‌ها به رفتارهای مجرمانه نسبت به تفاوت‌های منشأ جرم و افراد و گروه‌های قربانی جرم و همچنین مجرمان متفاوت خواهد بود؛ به این معنی که در چنین مواردی، رویکرد آن‌ها یک رویکرد "گذر از تفاوت‌ها" ^۸ و احترام به ویژگی‌های متفاوت انسان‌ها و از طرفی، ترغیب

۱. Criminal Justice: عدالت کیفری به عنوان رویکرد سنتی حقوق کیفری با هدف بازدارندگی و سزادهی به دنبال مجازات مجرم است؛ بنابراین مجرم محور است.

۲. Restorative Justice: عدالت ترمیمی به عنوان یک رویکرد جدید در حقوق کیفری، بیش از آن‌که به دنبال مجازات مجرم باشد، در پی جبران خسارت‌های وارد شده به قربانی جرم است؛ لذا این رویکرد قربانی محور است.

3. Newsworthy

4. Harcup & Oneill

5. Moral Panic

6. Lewis

7. Greer

8. Overcoming Differences

سیاست‌گذاران کیفری به حمایت از تفاوت‌ها است؛ به این نحو که یا با بازنمایی و روایت‌گری خود در پی تثبیت این وقایع به‌عنوان عمل مجرمانه در قانون‌ها هستند و یا در پی تغییر قانون‌های ضعیف موجود برای حمایت حداکثری از تفاوت‌ها. البته در شرایط ایدئال، رسانه‌ها مهم‌ترین وسیله برای خارج کردن تدریجی جرم‌های ناشی از نفرت از قلمرو عدالت کیفری به عدالت ترمیمی و استقرار صلح و تساهل هستند.

در این مقاله تلاش شده است علاوه بر پرداختن به موضوع تأثیر رسانه بر جرم ناشی از نفرت، به‌صورت خاص امکان‌سنجی تأثیر سه محتوای رسانه‌ای شامل مستند "و عنکبوت آمد" و فیلم‌های "عنکبوت" و "عنکبوت مقدس" بر ارتکاب جرم‌ها علیه کارگران جنسی^۱ و^۲ به‌دلیل ویژگی متفاوتشان با بهره‌گیری از پرونده قتل‌های زن‌جیره‌ای سعید حنایی^۳ مورد بررسی

۱. کارگر جنسی بودن و برقراری رابطه جنسی خارج از عقد ازدواج، به‌موجب ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحت عنوان جرم زنا جرم‌انگاری شده است و بسته به شرایط، ممکن است مجازات صد ضربه شلاق (ماده ۲۳۰)، اعدام (ماده ۲۲۴)، یا رجم (ماده ۲۲۵) را در پی داشته باشد. با این حال، حمایت از سیاست‌گذاری راجع به ارتکاب جرم ناشی از نفرت علیه کارگران جنسی در راستای به‌رسمیت شناختن این امر غیرقانونی نیست؛ بلکه در جهت حمایت از آن‌ها در برابر رفتارهای مجرمانه‌ای است که ممکن است به‌دلیل داشتن ویژگی خاص (کارگر جنسی بودن) علیه آن‌ها ارتکاب یابد؛ چراکه افراد (کارگران جنسی) اگر مرتکب جرمی شوند باید توسط مراجع صالح قضایی مجازات شوند و ارتکاب جرم‌های ناشی از نفرت علیه آن‌ها نه تنها توجیه قانونی ندارد، بلکه خلاف حقوق بشر و طریقی برای برهم زدن نظم عمومی خواهد بود.

۲. با توجه به این‌که هدف از این تحقیق، بررسی تأثیر رسانه بر سیاست‌گذاری جرم‌های ناشی از نفرت علیه افراد و جوامع انسانی است، نقطه ثقل پژوهش نیز جرم ناشی از نفرت علیه کارگران جنسی انسانی از جانب افرادی انسانی است؛ لیکن کارگران جنسی ربانیک از موضوع پژوهش خارج می‌باشند. با این حال، کارگران جنسی ربانیک با توجه به گسترش روزافزون تکنولوژی، به‌عنوان پدیده‌ای غیرقابل انکار در حوزه سیاست‌گذاری‌ها از جمله سیاست‌گذاری کیفری تبدیل خواهند شد. از آنجایی که هدف نهایی از هرگونه سیاست‌گذاری راجع به حمایت از کارگران جنسی، در راستای محافظت از آن‌ها در برابر خشونت‌هایی است که به‌دلیل داشتن یک ویژگی خاص علیه آن‌ها ارتکاب می‌یابد، بحث در مورد خشونت علیه ربات‌ها موضوعی چالشی خواهد بود؛ چراکه از یک طرف ممکن است چنین تصور شود که ربات‌ها به‌دلیل نداشتن احساس هم‌ردیف با احساس انسانی، ممکن نیست قربانی جرم ناشی از نفرت شوند و از طرفی ممکن است چنین استدلال شود که در سایه پیشرفت فناوری، ممکن است روزی احساس ربات‌ها هم خشونت را به‌مانند انسان‌ها درک کند و لذا باید در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه قرار گیرند. با این حال در شرایط فعلی، به‌دلیل وجود عنصر نفرت به‌عنوان هسته جرم ناشی از نفرت و از طرفی توجه به احساسات انسانی در جهت جلوگیری از خشونت، به‌نظر می‌رسد نمی‌توان از تحقق جرم ناشی از نفرت علیه کارگران جنسی ربانیک صحبت کرد.

۳. سعید حنایی معروف به "قاتل عنکبوتی" ساکن و اهل مشهد بود که در فاصله سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱ شانزده زن را که کارگر جنسی بودند، با انگیزه از بین بردن فساد (مطابق اظهاراتش در مستند و عنکبوت آمد) در شهر مشهد به قتل رساند و در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۸۱ به‌دار آویخته شد. از همان ابتدای دستگیری اختلاف‌نظرهایی راجع به انگیزه او وجود داشت؛ برخی از افراد اقدامات او را نه تنها مستحق مجازات نمی‌دانستند، بلکه آن را در راستای امر به معروف و نهی از منکر امری پسندیده می‌پنداشتند و در مقابل، غالب مردم و گروه‌های را به‌دلیل برهم زدن نظم عمومی مستحق مجازات مرگ می‌دانستند که در نهایت رویکرد اخیر مورد نظر دستگاه قضایی کشور قرار گرفت.

قرار گیرد و از طرفی، با توجه به این‌که افزودن کارگران جنسی به گستره جرم ناشی از نفرت می‌تواند موجب افزایش آگاهی و نیز تلقی غیرقابل قبول بودن ارتکاب جرم علیه این قشر شود (ساندرز^۱ و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۲۲)، به تأثیر احتمالی سه فعالیت مذکور در سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت پرداخته شده است.

بنابراین در این مقاله تلاش شده است به روش تحلیلی-توصیفی با استفاده از اطلاعات گردآوری‌شده و نیز تحلیل محتوای کیفی برخی از تأثیرات رسانه‌ای با هدف روشن شدن چگونگی تأثیر فعالیت‌های رسانه‌ای فوق بر شکل‌گیری یا تغییر سیاست‌های کیفری جرم‌های ناشی از نفرت، به این پرسش‌ها که "آیا امکان تأثیر رسانه بر سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت وجود دارد؟" و این‌که "مبادی و چالش‌های تأثیرگذاری رسانه‌ها بر سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های مذکور کدامند؟" پاسخ داده شود.

پیشینه پژوهش

با توجه به این‌که در ایران هنوز پژوهشی در رابطه با رسانه و سیاست‌گذاری راجع به جرم‌های ناشی از نفرت، به‌ویژه در مورد فعالیت‌های رسانه‌ای مذکور و موضوع آن‌ها که قتل‌های ناشی از نفرت علیه کارگران جنسی است انجام نگرفته است و از طرفی، عمده پژوهش‌های خارجی مانند پژوهش‌های هاچر^۲ (۲۰۰۲) و مولر و شوارتز (۲۰۲۱) بیشتر ناظر بر علت‌شناسی رسانه و وقوع جرم ناشی از نفرت بوده‌اند، این پژوهش جدید بوده و با پرداختن به تأثیر رسانه‌ها و مبادی نفوذ آن در سیاست‌گذاری کیفری جرم ناشی از نفرت، به‌ویژه با تأکید بر مؤلفه زنان خیابانی دارای نوآوری است.

مفاهیم نظری

۱. سیاست‌گذاری کیفری

سیاست‌گذاری کیفری در واقع نحوه و چگونگی سامان دادن به کیفر و نظام عدالت کیفری برای نیل به هدف‌هایی چون حفظ آزادی و کرامت شهروندان و نیز تأمین نظم و امنیت در جامعه است؛ در سیاست کیفری سه موضوع اساسی یعنی جرم‌انگاری، مسئولیت کیفری و کیفر مورد بررسی قرار می‌گیرد (مهرا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۷).

حال خط‌مشی سیاست‌گذاران کیفری و میزان وابستگی آن‌ها به اصول دموکراتیک یا از سوی دیگر بنیادگرا بودن آن‌ها، می‌تواند در سه بخش جرم‌انگاری، مسئولیت کیفری و کیفر تأثیرگذار باشد. سیاست‌گذاری کیفری خود تابعی از سیاست‌گذاری عمومی جوامع است؛ به‌گونه‌ای که

1. Sanders
2. Hatcher

رابطه مستقیمی بین ساختار سیاسی جوامع و سیاست‌گذاری کیفری حاکم بر آن‌ها وجود دارد (موسی‌زاده کوفی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۲). در این پژوهش، سیاست‌گذاری کیفری به عنوان یک فرآیند که متضمن جرم‌انگاری و تعیین ضمانت اجرای کیفری است، مدنظر می‌شود.

۲. جرم ناشی از نفرت

جرم ناشی از نفرت برخلاف جرم‌های عادی که وجود تفاوت در فرد ملاک نمی‌باشد، انگیزه اصلی ارتکاب آن، وجود یک تفاوت و ویژگی متفاوت در شخص قربانی است؛ گرچه درک یکسانی از این جرم وجود ندارد (شوپ^۱، ۲۰۲۱: ۱). با این حال، تعریف‌هایی از جانب نویسندگان ارائه شده است؛ در یکی از این تعریف‌ها آمده است که جرم ناشی از نفرت: «به‌طور کلی به معنای جرم‌ها علیه افراد و دارایی است که انگیزه کلی یا جزئی آن، تعصب‌های نژادی، قومی، مذهبی، جنسیتی، تمایل‌های جنسی و سایر پیش‌داوری‌ها است» (جیکبزو هنری^۲، ۱۹۹۶: ۳۶۶).

در تعریفی دیگر آمده است که «جرم‌هایی که همراه با پیش‌داوری نسبت به خصوصیت‌های حمایت‌شده به‌زده‌دیده باشند» (قورچی‌بیگی و رضائیان کوچی، ۱۳۹۹: ۲۱۸). با توجه به تعریف‌های بیان‌شده، دو مؤلفه برای تحقق جرم ناشی از نفرت لازم است: «[وجود] جرم کیفری منشأ و نشان دادن خصومت مرتکب به قربانی به دلیل وضعیت درک‌شده آن‌ها» (ترین پتروسینو^۳، ۲۰۱۵: ۴). بنابراین، جرم ناشی از نفرت عبارت است از ارتکاب هر رفتار مجرمانه‌ای علیه دیگری (شخص یا گروه) به دلیل داشتن یک ویژگی متفاوت.

چارچوب نظری پژوهش

رسانه‌ها در دنیای امروز برای بقا نیازمند حمایت دولت‌ها و گروه‌های قدرت هستند؛ به این معنی که بیشتر آن استقلالی که لازمه کار رسانه است تا وقایع موجود را به دور از هرگونه فشاری روایت‌گری کنند وجود ندارد و اغلب این رسانه‌ها، رویکرد خود را رویکرد کشور یا گروه حامی خود قرار می‌دهند (قدمی عزیزآباد، ۱۴۰۳: ۱۳۵). سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت نیز متأثر از سیاست‌زدگی رسانه‌ها، موجب می‌شود که فلسفه اصلی سیاست‌گذاری در مورد این جرم‌ها نادیده گرفته شود؛ به این معنی که حمایت از قربانی، حفظ نظم و رعایت حقوق بشر جای خود را به جانبداری از گروه‌های صاحب قدرت و روایت‌گری ویژگی‌ها و تفاوت‌های خودی بدهد. از آنجایی که قربانی جرم ناشی از نفرت باید شمول گسترده‌ای به‌منظور حمایت داشته باشد، رسانه‌ها با استفاده از قدرت اقناع‌کنندگی خود،

1. Schweppe
2. Jacobs & Henry
3. Turpin-Petrosino

پشتوانه توده‌ها و برای تأمین نظر صاحبان قدرت، سعی در سوق دادن سیاست‌گذاران به سمت تعریفی مضیق از این جرم دارند.

در واقع رسانه‌ها از "عوام‌گرایی کیفری" (پوپولیسم کیفری) که عبارت است از اتخاذ سیاست‌های کیفری برای جلب رأی مردم، فارغ از تأمین هدف‌های کیفر از جمله کاهش جرم و حمایت از قربانی جرم (پرات^۱، ۱۳۹۳: ۲)، به عنوان راهبرد خود استفاده می‌کنند و از آنجایی که رسانه‌ها نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌ها دارند، حکومت‌ها گفتمان اغلب رسانه‌ها را در مسیر برجسته کردن نظر عوام برای رسیدن به هدف‌های کلان خود سامان می‌دهند. از مهم‌ترین شاخصه‌های پوپولیسم، کثرت‌ستیزی است (مولر^۲، ۱۴۰۱: ۱۱)؛ به این معنی که فقط سیاست‌های مورد نظر خود را روایت‌گری می‌کنند و در پی نادیده‌انگاری رویکردها و ویژگی‌های متفاوت غیرخودی می‌باشند.

حال چنین رسانه‌هایی در سیاست‌گذاری کیفری راجع به جرم ناشی از نفرت، نظر عوام و توده‌های پیرو یا دارای ویژگی‌های مورد حمایت خود را در دایره تعریف جرم ناشی از نفرت می‌گنجانند و این رویکرد، مبنای جرم‌انگاری‌ها و تعیین نوع و میزان مجازات‌ها خواهد بود. نکته مهم این است که در چند سال اخیر با گسترش شبکه‌های اجتماعی، شاهد شکل‌گیری یک عوام‌گرایی غیرقابل کنترل و رسانه‌ای هستیم؛ به این معنی که برآیند نظر افرادی مختلف بدون آن‌که تابع نظر رسانه‌ای خاص باشند، ممکن است مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد. در واقع انتقال قسمت عمده‌ای از قلمرو سنتی رسانه (که بیشتر تحت تأثیر قدرت‌های سیاسی بودند) به رسانه‌های جدید، نحوه تحلیل رسانه را از تحلیل‌گر صرف به تحلیل‌گر و مخاطب بودن تغییر داده است؛ امری که حتی تحلیل‌های ارائه‌شده از جانب رسانه‌های سنتی را به دایره تحلیل‌های آزاد و البته عامیانه‌تر می‌کشاند.

با این حال، رسانه به عنوان یکی از قدرتمندترین ابزارها در دوران مدرن، نقش مهمی را در تعیین سیاست‌ها و جهت دادن به سیاست‌گذاری‌های مختلف دارد (گروسمن^۳، ۲۰۲۲: ۴۴۴). در واقع گستردگی آن در تمام جهان، قدرت روبه‌فزونی و ماهیت افشاگرانه آن موجب شده است که سیاست‌گذاری‌های کیفری در مورد جرم ناشی از نفرت (که نقطه ثقل آن حمایت از ویژگی‌های متفاوتی است که ارزش خبری زیادی دارند)، در سطحی فراتر از قلمرو کشورها تأثیرگذار باشد. "افشاگری رسانه‌ای"^۴ و از طرفی ارزش خبری داشتن ویژگی‌های متفاوت که جنبه‌ای از تکثرگرایی اجتماعی و حقوق بشر است، می‌توانند سیاست‌گذاران خارجی را نیز تحت تأثیر قرار دهند و بالعکس، کارکردهای رسانه‌های خارجی نیز تأثیر متقابلی بر

1. Pratt
2. Muller
3. Grossman
4. Media Disclosure

رویکردهای سیاست‌گذاران داخلی بگذارند.

در واقع افشاگری رسانه‌ای به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز رسانه‌ها، نه تنها بر مدار ارائه اطلاعات به مخاطبان است، بلکه فرم‌بندی علمی و مبتنی بر تحلیل منطقی را به منظور تأثیرگذاری بر سیاست کیفری به سیاست‌گذاران ارائه می‌کند. البته قدرت افشاگری رسانه زمانی می‌تواند فارغ از تحلیل‌های عامه‌پسند رسانه‌ای کارآمد باشد و خروجی قابل عرضه‌ای برای سیاست‌گذاران کیفری داشته باشد که این خروجی‌ها در راستای راهبردهای "جرم‌شناسی خبرساز"^۱ و "کانالیزه شوند. در واقع جرم‌شناسی خبرساز، وظیفه تحلیل علمی وقایع در رسانه و پیراستن آن‌ها از عامیانه‌گرایی و ابتذال را برای تأثیر بر سیاست‌گذاران کیفری بر عهده دارد. از این رو در تحلیل فعالیت‌های مذکور، باید به تمامی "کدگذاری‌های"^۲ موجود که ظرفیت‌های ارائه چارچوب‌های پیراسته از تخیل‌ها و تحلیل‌های توده‌پسند به سیاست‌گذاران کیفری را دارند توجه شود.

لذا در این پژوهش با تکیه بر افشاگری رسانه‌ای که در پی شناساندن بعدهای پنهان موضوعات اجتماعی است، در ابتدا در پی آشکار کردن اهمیت مسئله بوده و در نهایت با بهره‌گیری از راهبردهای جرم‌شناسی خبرساز، سعی بر ارائه یک سیاست کیفری مطلوب به سیاست‌گذاران کیفری در جهت توجه بیشتر به موضوع پژوهش بوده است. در واقع موضوع زنان خیابانی با افشاگری رسانه‌ای از پشت پرده مقاومت‌های جامعه که اساس آن ممنوعیت اشاعه فحشا بود سر برآورده و از آنجایی که ریل‌گذاری در فرآیند سیاست‌گذاری کیفری نیازمند توجه به راهبردهای علمی است، با اتکا به جرم‌شناسی خبرساز این مهم به منصفه ظهور رسیده است.

روش‌شناسی پژوهش

کلیات این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگارش یافته است و در قسمت یافته‌های پژوهش، تأکید بر تحلیل محتوای کیفی محتواهای رسانه‌ای راجع به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای آقای سعید حنایی است که از جمله مصداق‌های بارز جرم ناشی از نفرت در ایران و جهان می‌باشد. در کشور تنها سه محتوا به صورت خاص راجع به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای سعید حنایی تولید شده است؛ لذا جامعه آماری در این پژوهش، سه محتوای مذکور^۳ می‌باشند (به شرح جدول ۱) و از طرفی با توجه به انتخاب تمام جامعه آماری،

1. Newsmaking Criminology

۲. جرم‌شناسی خبرساز به فرآیندهایی اطلاق می‌شود که در آن جرم‌شناسان از ارتباطات جمعی و شبکه‌ای برای تفسیر، اطلاع‌رسانی و تغییر تصویرهای جرم و عدالت، مجرمان و قربانیان به منظور تغییر رویه‌ها و سیاست‌های مرتبط با این کنش‌ها و واکنش‌ها استفاده می‌کنند (باراک، ۲۰۱۶: ۱۱).

3. Encodings

۴. نکته مهم این‌که نگارندگان این پژوهش در پی اثبات صحت و سقم روایت‌گری این سه محتوای رسانه‌ای، به‌ویژه فیلم عنکبوت مقدس نمی‌باشند؛ بلکه فقط به ظرفیت‌های تأثیرگذاری این فعالیت‌ها به عنوان رویدادهای موجود و غیرقابل انکار بر سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت اشاره شده است.

باید گفت که هر سه محتوای مذکور مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و لذا نمونه آماری وجود ندارد. از این رو روش نمونه‌گیری نیز روش تمام‌شمار است.

از آنجایی که در روش تحلیل محتوا تأکید خاصی بر تحلیل ویژگی‌های پیام‌های مستتر در متن‌ها وجود دارد (حافظ‌نیا، ۱۴۰۱: ۷۷)؛ بنابراین در این پژوهش با توجه به این که هدف، بیان چگونگی و کیفیت تأثیر محتواهای رسانه‌ای مذکور بر فرآیند سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت است، سعی شده است از طریق "رمزگشایی" تصویریها، گفت‌وگوها، موقعیت‌های موجود و سایر نشانه‌های مفهومی، مفهوم‌های پنهان در مستند و فیلم‌ها که به نحوی ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با سیاست‌گذاری کیفری زنان خیابانی به عنوان مؤلفه‌ای از جرم ناشی از نفرت دارد، مورد شناسایی قرار گیرند.

موضوع مهمی که قابل ذکر است، فراتر رفتن فعالیت‌های رسانه‌ای مذکور از صرف قتل زنان خیابانی به عنوان یک جرم ناشی از نفرت از جانب فردی با ذهنیت مذهبی خاص می‌باشد؛ بلکه سوژه اصلی، "وضعیت زنان آسیب‌دیده" در جامعه است؛ یعنی زنانی که دارای شرایطی همچون "بیوه بودن"، "مطلقه بودن"، "فقیر بودن" و غیره هستند که قربانی شدن آن‌ها را تشدید می‌کند.

در این پژوهش سعی شده است غایت فعالیت‌های رسانه‌ای مذکور که غلبه قانون حمایت‌گر بر قانون منتج از ذهنیت‌های خاص است، از طریق تجزیه و تحلیل دیالوگ‌ها و رفتارهای اتفاق افتاده در رابطه با زنان خیابانی ظاهر شود. در واقع افشاگری رسانه‌ای که محرک سیاست‌گذار کیفری برای ایجاد رویکرد یا تغییر رویکردهای موجود در رابطه با زنان خیابانی و جرم ناشی از نفرت است، نوک پیکان پژوهش حاضر می‌باشد. با این حال، در کنار رویکرد افشاگرانه، رویکرد رقیب یعنی رویکرد بازنمایی زنان خیابانی نیز مورد توجه این رسانه‌ها بوده است.

در واقع می‌توان مطابق "نظریه نفوذ اجتماعی"^۲ و "ایروین آلتمن"^۴، شاهد میزان تأثیر افشاگری رسانه‌های مذکور بر ظرفیت‌های سیاست‌گذاران کیفری برای مورد بررسی قرار دادن زنان خیابانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های جرم ناشی از نفرت بود. بنابراین در این پژوهش سعی شده است با گرت‌برداری از نظریه نفوذ اجتماعی، طروق نفوذ رسانه‌های مذکور در سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت با محوریت زنان خیابانی مورد بررسی قرار گیرد.

1. Decoding

2. Social Penetration Theory

۳. مطابق این نظریه که بیشتر به عنوان یک نظریه روان‌شناسی پذیرفته شده است، میزان نفوذ در دیگری متأثر از کیفیت، درجه ارتباط و عمق تعامل‌ها است (کارپنتر و گرین (Carpenter & Green)، ۲۰۱۵: ۱). حال در رابطه با رسانه و تأثیر آن بر سیاست‌گذاری کیفری نیز کیفیت کار رسانه و عمق تمرکز آن بر موضوعات مورد نظر، امکان یا عدم امکان و یا کم یا زیاد بودن این تأثیر را مشخص می‌کند.

4. Irwin Altman

یافته‌های پژوهش

در این بخش از پژوهش، مبادی نفوذ رسانه و چالش‌های موجود در راه سیاست‌گذاری جرم‌های ناشی از نفرت مورد تحلیل قرار گرفته است.

جدول ۱. مشخصات محتواهای رسانه‌ای تولیدشده (موضوع پژوهش)

ردیف و عنوان اثر	سال ساخت	کارگردان	ژانر	خلاصه داستان	رویکرد سازندگان
۱. مستند و عکبوت آمد	۱۳۸۱	مازاد بهاری	مستند درام	در این مستند تلاش شده است از طریق مصاحبه با سعید حنایی، خانواده و دوستان وی و خانواده قربانیان جرم، به شرایط فردی، اجتماعی و اقتصادی سعید حنایی و قربانیان که به‌صراحت به کارگر جنسی بودن آن‌ها اشاره شده، پرداخته شود.	رویکرد این مستند نسبت به موضوع پژوهش، یک رویکرد مثبت و مبتنی بر واقعی‌گرایی و بی‌طرفی است.
۲. فیلم عکبوت	۱۳۹۸	ابراهیم ایرج‌زاد	دلهره‌آور	در این فیلم سعید (با بازی محسن تنابنده) به‌دلیل اطلاع یافتن از ماجرای اذیت و آزار همسرش توسط یک راننده که تصور کرده همسر ایشان کارگر جنسی است، تصمیم به مقابله با چنین مردانی می‌گیرد؛ ولی بعد از چند بار درگیری، تصمیم می‌گیرد به سراغ زنان خیابانی که آن‌ها را منشأ فساد می‌داند برود که به بهانه رابطه جنسی، هر یک از قربانیان را به خانه خود می‌کشاند و آن‌ها را به قتل می‌رساند؛ ولی در آخرین تلاش خود در کشتن زن خیابانی ناموفق بود و بعد از فرار این زن و اطلاع دادن به پلیس، سعید دستگیر می‌شود.	رویکرد این فیلم نسبت به زنان خیابانی و به‌نمایش گذاشتن نفرت نسبت به این قشر مثبت [حمایت‌گر] است؛ با این حال به‌دلیل سیاست‌های حاکم بر محتواهای رسانه‌ای در کشور، امکان به‌نمایش گذاشتن تفکراتی مانند تفکرات سعید حنایی در قبال این گروه از افراد بسیار ضعیف بوده است.
۳. فیلم عکبوت مقدس	۱۴۰۱	علی عباسی	دلهره‌آور	در این فیلم یک خبرنگار (با بازی زهرا امیرابراهیمی) سعی در کسب اطلاعات در مورد چندین قتل با مشخصات به‌نسبت مشابه دارد و با این فرض که قاتل مطابق دستور گروه‌های مذهبی این جرم را انجام می‌دهد، بعد از آن که از تلاش پلیس برای دستگیری وی ناامید می‌شود، با همکاری یکی از خبرنگاران شهر مشهد تصمیم می‌گیرد که قاتل را شناسایی کند؛ به‌همین منظور خود را در پوشش زنان خیابانی جا می‌زند تا طعمه سعید (قاتل) شود. بعد از آن که توسط قاتل به خانه برده می‌شود، در برابر تلاش قاتل برای قتل وی مقاومت می‌کند و فرار می‌کند و در پی آن با گزارش وی، پلیس قاتل را دستگیر می‌کند. در ادامه، دوستان سعید تلاش می‌کنند وی را از مجازات برهانند که موفق نمی‌شوند و سعید اعدام می‌شود.	رویکرد سازندگان این فیلم به زنان خیابانی مبتنی بر واقعی‌گرایی است و لذا یک رویکرد مثبت در حمایت از زنان خیابانی در پیش گرفته است. از طرفی در این فیلم، شرایط زنان خیابانی بهتر از فیلم عکبوت به‌تصویر کشیده شده است؛ با این حال به‌دلیل دور بودن از نظارت مقررات داخلی، جنبه‌هایی از تک‌بعدی‌نگری در این فیلم موجود است.

بنابراین در این سه محتوای رسانه‌ای، با وجود این‌که در راستای نمایش یکی از مصداق‌های بارز جرم‌های ناشی از نفرت در کشور هستند، لیکن رویکردهای یکسانی در قبال موضوع به‌نمایش گذاشته‌شده در پیش نگرفته‌اند. این تفاوت در رویکرد، نه تنها ناشی از زاویه دید سازندگان فیلم به موضوع و تأثیرپذیری از ایدئولوژی آن‌ها است، بلکه تا حدودی متأثر از کنترل‌های قانونی و سیاسی نیز می‌باشد؛ به‌ویژه این‌که موضوع مورد بحث یعنی زنان خیابانی، در قانون‌ها مورد حمایت قرار نگرفته‌اند و این عدم حمایت در اثرهای تولیدشده در داخل، مانع به‌نمایش گذاشتن بعدهای خاصی از موضوع از جانب سازندگان فیلم شده است.

الف) مبادی نفوذ رسانه در سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت

در این بخش، راه‌های تأثیرگذاری رسانه (با محوریت سه محتوای رسانه‌ای موضوع پژوهش) بر سیاست‌گذاری‌های کیفری جرم‌های ناشی از نفرت با تأکید بر زنان خیابانی مورد بررسی قرار گرفته است.

رسانه و پدیداری جرم ناشی از نفرت

ارتکاب بسیاری از رفتارهای خلاف هنجارهای حاکم در جامعه، ممکن است به‌دلیل پنهان ماندن یا کم‌رنگ بودن تأثیر آن‌ها بر نظم و امنیت جامعه، در سنجش سیاست‌گذاران جهت سیاست‌گذاری کیفری راجع به آن قرار نگیرند؛ اما در دنیای امروز، رسانه‌ها به‌دلیل فلسفه جست‌وجوگر خود و تلاش برای روایت و نمایش رفتارهای بدیع، بسیاری از لایه‌های پنهان واقع‌شده در جامعه را به‌منصه دید سیاست‌گذاران می‌رسانند تا امکان قرار گرفتن آن‌ها در قلمرو سیاست‌گذاری کیفری ارزیابی و سنجش شود؛ به‌عبارتی، رسانه‌ها نقش "یابنده" را ایفا می‌کنند.

حال در مورد رفتارهایی که ممکن است در تعریف جرم ناشی از نفرت بگنجد، به‌دلیل این‌که برای رسانه‌ها از حیث جذابیت و نیز ارتباط با رویکردهای حقوق بشری ارزش ارائه قابل توجهی دارند، اقبال بیشتری برای سوژه شدن در رسانه‌ها را دارا هستند.

نکته مهم این‌که گاهی ممکن است رسانه‌ها با آن محتوایی که تولید می‌کنند، در ابتدا قصد بیان یک توصیه یا سوژه خاص جهت ارائه به سیاست‌گذاران کیفری را نداشته باشند؛ بلکه ممکن است محتوای خام باشد که حساسیت بدنه سیاست‌گذاری کیفری و فشار افکار عمومی را در جهت قرار دادن آن موضوع در دایره سیاست‌گذاری کیفری موجود یا اتخاذ یک سیاست جدید ایجاد کند.

رسانه‌ها به‌دلایلی چون استفاده از متخصصان و نیز داشتن پشتوانه توده‌ها که رسانه را مرجع تحلیل وقایع تلقی می‌کنند، قدرت خاصی در جهت توجیه سیاست‌گذاران دارند؛ به این

معنی که گستردگی رسانه‌ها و به تصویر کشیدن خواست توده‌های هم‌مرام خود، موجب تحمیل خط‌مشی رسانه‌ای بر متولیان سیاست‌گذاری می‌شود. رسانه‌ها از تمامی ظرفیت‌های خود مانند فیلم، خبر، مستند و غیره در جهت قبولاندن وقایع نیازمند سیاست‌گذاری به سیاست‌گذاران استفاده می‌کنند.

نکته مهمی که در مورد قدرت رسانه‌ها در پدیداری جرم ناشی از نفرت قابل ذکر است، این است که رسانه‌ها به دلیل محدود بودن آزادی عملشان توسط سیاست‌ها و اسناد بالادستی، چنین امکانی را ندارند که برخی از ویژگی‌های موجد جرم ناشی از نفرت بودن را که در دیگر جامعه‌ها به رسمیت شناخته شده است، به‌منصه ظهور برسانند و در پی مطالبه‌گری از سیاست‌گذاران برای ایجاد یا تغییر سیاست‌های کیفری در این رابطه باشند.

به‌عنوان مثال، ویژگی‌هایی چون گرایش‌های جنسی خاص که در قانون‌های برخی از کشورها داخل در حیطه جرم ناشی از نفرت هستند، در ایران از جانب رسانه‌ها که بیشتر دولتی می‌باشند، قابل طرح نیستند. با این حال، امروزه وجود شبکه‌های اجتماعی و گستردگی مفهومی رسانه باعث شده است که حتی ویژگی‌های خاص و متفاوت در افراد نیز مورد بحث در چنین شبکه‌هایی قرار گیرد که بدون تردید، گرچه به‌طور غیرمستقیم و سخت، اما به‌صورت حتمی بر سیاست‌گذاری‌های کیفری در شناسایی برخی از این ویژگی‌ها در دایره جرم ناشی از نفرت مؤثر خواهد بود.

از نمونه‌های بارز تأثیرگذاری رسانه در سیاست‌گذاری جرم‌های ناشی از نفرت، می‌توان به وضع ماده ۴۹۹ مکرر قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۹ اشاره کرد؛ جایی که توهین به اقوام در رسانه‌هایی چون برنامه‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها و غیره، قانون‌گذار را مجاب کرد که این رفتار تحت عنوان جرم ناشی از نفرت جرم‌انگاری شود.

گرچه سیاست کیفری ایران در رابطه با جرم ناشی از نفرت یک سیاست بسیار محدود است، اما رسانه‌ها ظرفیت‌های زیادی برای اقناع سیاست‌گذاران در جهت توسعه مفهومی این جرم دارند. شاید پرونده سعید حنایی و فعالیت‌های انجام‌گرفته رسانه‌ای در مورد آن، از جمله موردهایی است که می‌تواند موجب تغییر در رویکرد محتاطانه قانون‌گذار در توسیع قلمرو جرم ناشی از نفرت باشد.

ساخت مستند و فیلم‌هایی با مضمون پرونده سعید حنایی، با این‌که از حیث جرم‌شناختی خودشان می‌توانند عاملی برای افزایش این جرم محسوب شوند، لیکن از این حیث که یک گروه خاص به نام زنان خیابانی را به نمایش می‌گذارند که به دلیل نفرت یک فرد به قتل می‌رسند، می‌تواند نویدبخش این موضوع باشد که قانون‌گذار ایران تفاوت‌های این‌چنینی را نیز در دایره جرم ناشی از نفرت بگنجاند.

در واقع پرداختن به چنین موضوعی در رسانه، با وجود سیاست ممنوعیت اشاعه فحشا

که ملهم از قانون، مقررات، چارچوب‌ها و موازین فقهی است، نشان‌گری بردن به اهمیت چنین موضوعی برای مورد تحلیل قرار گرفتن در مجمع‌های علمی است. حال رسانه با نمایش مستند "و عنکبوت آمد" و فیلم‌های "عنکبوت" و "عنکبوت مقدس"، موضوع زنان خیابانی و معضلات وجود آن‌ها را برجسته کرده است؛ مهم‌ترین بعد این نمایش، در معرض خطر بودن زنان خیابانی از جانب افرادی است که در آموخته‌های دینی و مذهبی‌شان^۱ چنین افرادی مهدورالدم هستند و باید حذف شوند.

رسانه به عنوان وسیله‌ای در جهت اقناع کارفرمایان اخلاقی جامعه

هر سیاست‌گذاری از جمله سیاست‌گذاری کیفری در جامعه‌ها، دارای یک "پشتوانه نظری"^۲ است؛ پشتوانه‌ای که در جامعه‌های دموکراتیک حاصل اندیشه تمام گروه‌ها است و در جامعه‌های غیردموکراتیک، گروه‌های حاکم تعیین‌کننده مبانی آن سیاست‌گذاری‌ها هستند. حال برای تغییر در سیاست‌های موجود یا ایجاد سیاست‌گذاری، در تمامی جوامع، اقناع گروه‌ها یا طیف‌هایی از جامعه، شرط لازم برای درانداختن یک رویکرد تازه است؛ طیف یا گروه‌هایی که گاهی هرگونه سیاست مخالف یا حتی غیرهم‌راستا با ایدئولوژی یا ویژگی‌های خودی را ممنوع می‌دانند و با جبهه‌گیری، مانع از استقرار سیاست‌های غیرخودی می‌شوند. در جرم‌های ناشی از نفرت و سیاست‌گذاری راجع به آن نیز این مانع به شکل آشکارتری ابراز وجود می‌کند؛ با این‌که در سیاست‌گذاری راجع به این جرم، خللی به حق هیچ‌یک از گروه‌های دارای قدرت وارد نمی‌شود و فقط شناسایی "تفاوت‌ها" در راستای حمایت از گروه‌های اقلیت و افراد یا گروه‌های دارای ویژگی متمایز است، با این وجود این کارفرمایان اخلاقی هستند که یک تفاوت را دارای اهمیت برای وارد شدن در قلمرو سیاست‌گذاری جرم ناشی از نفرت می‌دانند. در جامعه ایران، در کنار گروه‌های مذهبی دارای قدرت و وجود عرف مبتنی بر دین و مذهب، صحبت کردن از برخی تفاوت‌ها و وارد کردن آن‌ها در دایره سیاست‌گذاری کیفری به‌ویژه تفاوت‌هایی که در فقه و قانون به‌صراحت به‌عنوان عمل حرام و گاهی جرم‌های حدی شناخته شده‌اند، کاری غیرممکن یا بسیار دشوار است. اما:

ویژگی‌های فرهنگی پیچیده‌تری وجود دارد که کارگران جنسی خیابانی^۳ را به‌گونه‌ای تعریف می‌کند که وضعیت آن‌ها را به‌عنوان یک اقلیت جنسی آسیب‌پذیر افزایش می‌دهد (ساندرز و کم بل^۴، ۲۰۰۷: ۱۵)؛ و از این جهت نیازمند سیاست‌گذاری است. با این حال، نمایش پرونده سعید حنایی در سه محتوای رسانه‌ای مذکور، با وجود این‌که

۱. منظور برداشت شخصی و خام افراد از مذهب و دین است و لذا مذهب‌ها و دین‌های شناخته‌شده مدنظر نیست.

2. Theoretical Support

3. Street sex workers

4. Sanders & Campbell

تا به امروز به صورت عملی نتوانسته است داستان "زنان خیابانی" را وارد راهبرد کیفری ایران در قالب جرم ناشی از نفرت کند، اما به دلیل آن‌که توانسته است قبح "قربانی شدن" به صرف وجود یک تفاوت (زن خیابانی بودن) را که خود در اغلب موردها معلول شرایط زیستی، ضعف اقتصادی و اجتماعی است، در ذهن کارفرمایان اخلاقی جامعه و سیاست‌گذاران برجسته کند. در واقع تولیدات رسانه‌ای مذکور، به خصوص مستند "و عنکبوت آمد" و فیلم "عنکبوت" که تولید رسانه ملی و سینما می‌باشند و فیلترهای مختلفی را برای به روی صحنه آمدن پشت سر نهاده‌اند، می‌توانند گویای نرمش کارفرمایان اخلاقی جامعه در جهت تغییر رویکرد نسبت به گستره جرم‌های ناشی از نفرت باشند.

بازنمایی پرونده سعید حنایی به عنوان فردی مذهبی در رسانه، نه تنها این پرسش را پیش پای گروه‌های قدرت گذاشته است که "آیا چنین اقدامی مورد تأیید است یا خیر؟"، پرسش دیگری را نیز در پی داشته است که "آیا زنان خیابانی که خود قربانی شرایط محیطی (فقر)، ازدواج در سن‌های پایین^۱ و ازدواج‌های ناموفق و غیره هستند، باید فقط به دلیل این‌که عملشان جرم و عمل حرامی است، قربانی چنین وقایع‌ای شوند؟"

در نگاه اول ممکن است مقرراتی هم چون "مهدورالدم" بودن در فقه و حقوق کیفری را عامل توجیه این وقایع بدانیم، اما نقد این مهدورالدم بودن در فیلم "عنکبوت" و مستند "و عنکبوت آمد" با عبارت‌هایی چون: "اگر در مواد قانونی ما معنای مهدورالدم به طور واضح عنوان شده بود، به طور قطع هرکسی به خودش اجازه نمی‌داد که این زن‌ها را زن‌های مهدورالدمی بداند" (بخشی از صحبت خانم خبرنگار در مستند "و عنکبوت آمد") می‌تواند به عنوان یک ظرفیت در جهت انعطاف رویکرد کارفرمایان اخلاقی جامعه مؤثر باشد.

از طرفی چنین فعالیت‌های رسانه‌ای می‌توانند در کنار جلب توجه نخبگان جامعه برای تلاش در تغییر ذهنیت‌ها، گروهی از عوام را که فاصله زیادی با معیارهای نخبگی در جامعه ندارند، در جهت ارائه پیشنهاد برای وارد کردن گرایش‌های جنسی هم‌چون زنان خیابانی به عنوان یک تفاوت در مؤلفه‌های جرم ناشی از نفرت، تحت تأثیر قرار دهند.

رسانه به مثابه ابزار سنجش خطر

رسانه در دنیای امروز با وجود این‌که خود ابزاری در جهت بیان دیدگاه‌های شخصی افراد و گسترش پوپولیسم است (کایرو^۲، ۲۰۲۰: ۱۰۳؛ مازلنی^۲، ۲۰۰۸: ۵۰)، با این حال دارای ویژگی ابراز خطر اندیشه‌ها و وضعیت‌های نابسامان موجود در جامعه در رابطه با پدیده‌های گوناگون اجتماعی دارای بار خلاف هنجار است. به این معنی که بسیاری از تفکرات در بین گروه‌ها و

۱. در مستند "و عنکبوت آمد" بیان شد که یکی از مقتولان در ده سالگی ازدواج کرده است.

2. Caeiro

3. Mazzoleni

اجتماع‌ها از دیدگان سیاست‌گذاران در جامعه، از جمله سیاست‌گذاران کیفری پنهان است و این پنهان‌مانی و دخیل ندانستن چنین اندیشه‌هایی می‌تواند سیاست‌گذاران کیفری را از درک درست شرایط حاکم بر جامعه در جهت سیاست‌گذاری کارآمد محروم کند.

حال این رسانه است که توان شناسایی و ابراز این ایدئولوژی‌های خام و وضعیت‌های محجورمانده از چارچوب سیاست‌گذاری را دارد. یکی از این وضعیت‌های موجود در جامعه ایران، به‌مانند دیگر جوامع، وجود گروهی از افراد با عنوان‌هایی چون "زنان خیابانی" و "کارگران جنسی" است که وجود اندیشه‌های متعصبانه در جامعه نسبت به آن‌ها به دلیل داشتن ویژگی‌های متفاوت، متوجه آن‌ها به عنوان قربانیان بالقوه می‌شود. حال این خطر قربانی شدن در ذهن نخبگان و سیاست‌گذاران جامعه چنین القا می‌شود که نپرداختن به چنین موضوعاتی در سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه و بالتبع سیاست کیفری حاکم، به دلایلی چون جلوگیری از اشاعه فحشا و قبح‌زدایی از این عمل، می‌تواند در خفا و بدون آن‌که در آمارهای رسمی جرم‌ها بیان شود، ارتکاب جرم‌های ناشی از نفرت علیه این گروه را به دلیل داشتن یک ویژگی متمایز در پی داشته باشد.

اما پرداختن به این پدیده در شرایطی که جامعه از عنصرهای قدرتمندی چون فشار گروه‌های مذهبی جهت نادیده‌انگاری چنین پدیده‌ای برخوردار است، می‌تواند حاوی پیام مهم وضعیت "اشباع تحمل"^۱ جامعه (یعنی گروه کارگران جنسی و آن قسمت از جامعه که حامی آن‌ها در برابر عمل‌های مجرمانه هستند) باشد.

حال در مستند "و عنکبوت آمد" و فیلم‌های "عنکبوت" و "عنکبوت مقدس"، این خطر پنهان‌مانده و وضعیت اشباع تحمل در قالب سه محور:

۱. جسارت بخشی از مردم برای ارتکاب جرم‌هایی مشابه جرم سعید حنایی
۲. "انسان‌زدایی"^۲ از زنان خیابانی
۳. بیان وضعیت خفت‌بار زنان خیابانی و وجود ظرفیت‌های بالقوه قربانی شدن این گروه از افراد از طریق رمزگشایی از مصاحبه‌ها و دیالوگ‌های موجود در این سه محتوای رسانه‌ای، به شرح جدول ۲ به‌نمایش گذاشته شده است:

1. Tolerance Saturation
2. Dehumanization

جدول ۲. جلوه‌هایی از در خطر بودن زنان در رسانه

محورهای تحلیلی	مستند و عنکبوت آمد	فیلم عنکبوت	فیلم عنکبوت مقدس
۱. جسارت در ارتکاب جرم	او آدم نکشته، فساد را از بین برده (جلیل، برادر سعید)؛ رفتارم نسبت به این دخترهایی که به نحوی خراب هستند مثل پسر ام است (مادر سعید)؛ کار من اقدام علیه زنان خیابانی بوده نه این که به من بگویند قاتل (سعید)؛ این زن‌ها مفسد فی الارض هستند (پسر سعید)؛ سعید می‌خواسته مشکلی را از جامعه ریشه کن کنه (یکی از بازاری‌ها)؛ کارش بد نبوده اگه همینو ادامه می‌داد خوب بود (یکی از بازاری‌ها با حالت خنده) و غیره.	نمایش نوشیدن آب توسط سعید بعد از ارتکاب چند قتل، مصداق بی‌خیالی و راحتی کار و تداعی کننده عبارت‌های کتابی "یک لیوان روش آب خوردن" و "مثل آب خوردن بودن" است؛ بگش خب، زنان خراب و کشته... (دیالوگ سعید و همسرش بعد از خواندن روزنامه‌هایی که خبر قتل‌ها را منتشر کرده بودند)؛ در پاسخ به پرسش خبرنگار که الان هیچ احساس گناهی نداری؟ «اصلاً هیچ برام اهمیت نداشت» (سعید)؛ و کشتن این تعداد از یک جمعیت شصت میلیونی فرقی نمی‌کند، مسئله این است که آب استخر مسموم نشود (سعید)؛ سعید در پاسخ به همسرش: «تو هیچ، همه عالم و آدم نمی‌تونن منو بشمون کنن»؛ سعید در دیالوگ با برادرش: «باید کار اساسی انجام داد» و غیره.	کارم را تمام نکرده‌ام، چونکه دویست نفر از این بعد از دستگیری سعید، همسرش در پاسخ به پرسش پسرش که پدرش با کی دعوا کرده گفت: «پدرت دعوا نکرده، این کار چند تا زن بوده، چند تا از این زن‌های خراب، بابات هم کلکشان را کنده... بابات کار اشتباهی نکرده... این زن‌ها فاسد بودن، خراب بودن، بی‌ارزش بودن، حقشون بود، بابات دستاش پا که»؛ میوه فروش خطاب به پسر سعید بعد از دستگیری پدرش: «سرتو بالا بگیر»؛ سعید در جلسه دادگاه: «من برای پاکسازی شهر از گناه و فساد احساس مسئولیت می‌کردم»؛ تلاش دوستان سعید برای آزادی وی از زندان و روحیه خندان آن‌ها در قبال اقدامات سعید؛ بعد از جلسه دادگاه، قدم زدن همراه با غرور و خنده سعید؛ زن سعید در گفت‌وگو با خبرنگار از عبارت "اعمال وظیفه" برای کار سعید استفاده کرد؛ سعید در جلسه دادگاه با خواندن یک آیه از قرآن، خود را نماد حق و زنان خیابانی را مصداق باطل دانست؛ سعید در پاسخ به پرسش خبرنگار که احساس عذاب وجدان داری؟ با حالت گستاخی بیان می‌کند که «از این جهت احساس عذاب وجدان دارم که زن‌ها را نشان کرده بودم که کارشان را تمام کنم»؛ پسر سعید بیان می‌کند که اگر پلیس این زن‌ها را از خیابان جمع نکند یکی دیگر بلند می‌شود و این کار را انجام می‌دهد و در ادامه می‌گوید که به گونه‌ای با این زن‌ها برخورد می‌کنند که انگار آدم عادی هستند؛ شعار دادن مردم بیرون از دادگاه با عبارت "سعید عظیمی بی‌گناه بی‌گناه" و غیره.
۲. وضعیت خفت‌بار زنان خیابانی و ظرفیت قربانی شدن	اعتیاد شدید، اجبار به کار جنسی از جانب شوهر، بد رفتاری راننده‌ها با کارگران جنسی، تن دادن به رابطه جنسی برای سیر کردن شکم فرزندان و غیره.	اعتیاد شدید، اجبار به فروش کار جنسی از جانب پدر و همسر، وضعیت ضعیف بهداشت به خصوص بهداشت دهان و دندان، هدف از رابطه خرج خانواده را دادن و غیره.	اعتیاد شدید، اجبار به فروش کار جنسی توسط شوهر و اعضای خانواده، نداشتن بهداشت به خصوص بهداشت دهان و دندان، تن دادن به رابطه جنسی در هر وضعیتی (رابطه جنسی در داخل ماشین) و غیره.

محوورهای تحلیلی	مستند و عنکبوت آمد	فیلم عنکبوت	فیلم عنکبوت مقدس
۳. انسان‌زدانی از زنان خیابانی	اگه حیوان بود بیشتر دلم می‌سوخت (سعید)؛ تشبیه زنان خیابانی به کثافت (مادر سعید) و غیره.	سعید در دیالوگ با همسرش بعد از خواندن روزنامه‌ها: «یکشه خب، زنان خراب و کشته، به انسان و بچه کسی که کاری نداشته»؛ تشبیه زنان خیابانی به موش و سوسک توسط سعید؛ در پاسخ به پرسش قاضی که امر خدا این بوده که آدم بکشی؟ «کدوم آدم، آدمی نبوده» (سعید)؛ «من که آدمی نکشتم» (سعید) و غیره.	پلیس رسیدگی کننده به پرونده خطاب به خبرنگار: «اینا [زنان خیابانی] همه مثل همن، مریض و آشغال»؛ استفاده از واژه «بی ارزش، فساد و گناه» به جای زنان خیابانی (از جانب سعید و مادرش و فرزندش) و غیره.

موضوع دیگری که از نمایش ارتکاب جرم‌های ناشی از نفرت علیه زنان خیابانی قابل بررسی است، سرعت بخشیدن به نفوذ "چرخه پوپولیسم"^۱ در جامعه است؛ به این معنی که بسیاری از توده‌ها در جامعه با وجود این‌که رفتاری مانند کارگری جنسی را قبیح می‌دانند و حتی برخورد با آنان را بر اساس قانون از جانب قوای حاکم ممکن است جایز بدانند، اما ترویج و گسترش هرگونه رفتار مجرمانه علیه این افراد را از طریق‌های مختلفی من جمله رسانه‌ها (به‌ویژه رسانه‌های فردی که امروزه به‌سهولت در دسترس می‌باشند) محکوم می‌کنند و سیاست‌گذاران جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند که چنین گروه‌هایی وارد قلمرو سیاست کیفری جرم‌های ناشی از نفرت شوند. بنابراین سه محتوای رسانه‌ای مذکور به‌همراه سایر فعالیت‌های رسانه‌ای، علاوه بر عرضه مقدمات لازم سیاست‌گذاری کیفری، من جمله شناسایی موضوع مهم و اثبات خطر موجود در جامعه، این ظرفیت را دارند که به دو صورت مستقیم (تلنگر و هشدار به سیاست‌گذاران به جهت خطر موجود در جامعه) و غیرمستقیم (از طریق چرخه پوپولیسم) بر ایجاد سیاست کیفری جدید یا توسعه سیاست کیفری موجود در رابطه با جرم‌های ناشی از نفرت مؤثر باشند.

حمایت‌گری رسانه و نمایش بزه‌دیدگی زنان خیابانی

رسانه‌ها مطابق برخی تحقیقات می‌توانند با نمایش تصویر مغرضانه‌ای از گروه اقلیت، موجب ارتکاب جرم‌های ناشی از نفرت علیه آن‌ها شوند (چن^۲، ۲۰۲۴: ۲). از طرفی، رسانه‌ها با ابزار پوپولیسم (عوام‌گرایی) می‌توانند سیاست‌گذاران را برای تدوین سیاست‌هایی که اقلیت‌ها را محدودتر کند، ترغیب کنند. با این حال، رسانه‌ها به دلیل گستردگی و توان تحلیلی که دارند، می‌توانند سیاست‌گذاران را به سمت تعیین راهبردهایی که امنیت گروه‌های با ویژگی متفاوت

1. The Cycle of Populism
2. Chen

قربانی یا در معرض قربانی شدن را تأمین می‌کنند، ترغیب کنند.

موضوع مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که سیاست‌گذاری راجع به ویژگی‌های متفاوت، به دلیل خلاف هنجار بودن یا نبودن آن ویژگی‌ها متفاوت است؛ به این معنی که برخی از ویژگی‌های متفاوت مانند رنگ، قومیت، دین، نژاد و غیره مشروع هستند، یعنی این تفاوت مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته است. اما در نقطه مقابل، برخی از ویژگی‌های متفاوت مانند کارگران جنسی، برخی از گرایش‌های جنسی و برخی از ایدئولوژی‌های جدید نامشروع هستند؛ به این معنی که از جانب قانون‌گذار کیفری به عنوان یک عمل مجرمانه شناسایی شده‌اند. حال رسانه در میزان و چگونگی حمایت خود و نمایش این ویژگی‌های متفاوت نامشروع، بسته به فضای سیاسی حاکم بر جامعه و وجود و میزان نفوذ گروه‌های قدرت در سیاست‌های رسانه، به نسبت، رفتار محتاطانه‌ای دارد.

حال پرسش این است که رسانه چگونه می‌تواند در ورود کارگران جنسی به دایره سیاست‌گذاری جرم‌های ناشی از نفرت مؤثر باشد؟

گرچه برخی هنوز معتقدند که فقط با جرم‌زدایی کامل از کار جنسی می‌توان به خشونت علیه کارگران جنسی پایان داد، نه با افزودن چنین ویژگی به قانون جرم‌های ناشی از نفرت و افزایش مجازات آن (هلت و گات، ۲۰۲۲: ۳۶۰)؛ و در پی آن، تأثیر رسانه و دیگر ابزارها را در جهت تأثیر بر سیاست‌گذاری در رابطه با کارگران جنسی در جرم‌های ناشی از نفرت متفی می‌دانند. اما با این حال باید گفت که این رویکرد جرم‌زدایی، تنها در جوامعی می‌تواند نتایج مثبتی داشته باشد که کار جنسی فقط در موردهای جزئی، خلاف هنجار تشخیص و جرم‌انگاری شده باشد و از طرفی، گروه‌های قدرت کمتری در جهت مخالفت با این موضوع ابراز وجود کنند. اما در جوامعی مانند ایران، به دلیل این که کار جنسی به شکل‌های مختلفی جرم‌انگاری شده است و نیز حکومت و گروه‌های قدرت زیادی حامی واکنش کیفری علیه آن هستند، باید از تمامی ابزارها از جمله رسانه، در جهت مجاب کردن سیاست‌گذاران برای شناسایی کار جنسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های جرم ناشی از نفرت استفاده کرد.

حال در مورد فعالیت‌های رسانه‌ای موضوع این پژوهش، آیا می‌توان قائل به این بود که رمزگشایی از فعالیت‌های رسانه‌ای با محتوای زنان خیابانی توانسته با تأکید بر تأثیر شرایط محیطی و جبر و ملامک عمل قرار دادن قانون، رگه‌هایی از مجاب‌کنندگی سیاست‌گذاران در زمینه شناسایی کار جنسی به عنوان یک مؤلفه جرم ناشی از نفرت را در خود داشته باشد؟ برخی معتقدند که جرم و جنایت، کمتر معنی اصیل خود یعنی تجاوز به ارزش‌های مقدس یا اجتماعی را حفظ کرده و بیشتر به معنی آسیب رساندن به قربانیان منفرد است (کوهن، ۱۳۹۹: ۳۷). اما

باید گفت با وجود این که در دنیای امروز از شدت قربانی شدن احتمالی در نتیجه ارتکاب عمل های مجرمانه کاسته شده است، ولی چنین تعمیمی به تمامی جرم ها صحیح نیست؛ چرا که قربانی در جرم های ناشی از نفرت برخلاف جرم های سستی که فقط قربانی مستقیم و جامعه است، گروه های حامی فرد یا گروه مورد ارتکاب جرم ناشی از نفرت را نیز شامل می شود. بنابراین گرچه سخن گفتن از حمایت برای قربانیانی که در نتیجه جرم ناشی از نفرت منعکس شده در فعالیت های رسانه ای مذکور به قتل رسیده اند امری بیهوده است، ولی با رمزگشایی از رفتارها و دیالوگ ها در این سه محتوای رسانه ای، می توان بارقه هایی از تأثیرگذاری رسانه بر جامعه و گروه های حامی را به شرح جدول ۳ مشاهده کرد:

جدول ۳. جلوه های حمایت گری و نمایش بزه دیدگی زنان خیابانی

محورهای تحلیلی	مستند و عنکبوت آمد	فیلم عنکبوت	فیلم عنکبوت مقدس
۱. قربانی (تأثیر عدم تقصیر) زنان خیابانی	قاضی پرونده به فقر اقتصادی و فرهنگی زنان خیابانی به عنوان علت ارتکاب این عمل اشاره می کند؛ یکی از مقتولان به گفته پدرش در ده سالگی ازدواج کرده بود و در سن بیست سالگی با وجود داشتن شش فرزند، مطلقه شده بود و غیره.	در دیالوگ آخر فیلم بین سعید و همسرش، همسرش خطاب به سعید بیان می کند: «تو فکر می کنی که برای چی این زن ها افتادن به این وضع؟ برای این که مجبور بودن شکم گرسنه بچشون رو سیر کنند. برای این که شوهر اشون معتادن، شوهر اشون زندان». در یک سکانس، آکواریومی پر از ماهی قرمز را نشان می دهد که در پس زمینه آن تصویر جنازه یکی از مقتولان است و در این حین سعید یکی از این ماهی ها را بیرون می آورد (این در قفس بودن، به راحتی قربانی شدن زنان خیابانی و یکی یکی قربانی شدن آن ها را نشان می دهد که مصداق جبر محیطی است) و غیره.	تربیت نامناسب در خانواده های دارای بحران اقتصادی و فرهنگی (مانند خانواده صغرا یکی از مقتولان)؛ قاضی پرونده در دیالوگ با خبرنگاران: «شما [نوع انسان] اگر فقیر و درمانده نباشید که در خیابان تن فروشی نمی کنید» و غیره.
۲. تضاد بین تئوری قانون در مقابل با آیدهای شخصی	قاضی پرونده بیان می کند که همه چیز باید در چارچوب قانون باشد؛ یکی از بازاری ها بیان می دارد که دین ما همین اجازه ای (قتل) کارگران جنسی را نداده است و غیره.	قاضی پرونده با ذکر حدیثی از امام رضا (ع) مبنی بر حرمت کشتن انسان، بیان می کند که هیچ دین و آیینی با آدم کشتن موافق نیست؛ قاضی پرونده در پاسخ به سعید که بیان داشت این کار امر خدا بوده است، اظهار داشت که از کی تا حالا آدم کشی شده امر به معروف! در سکانسی که سعید داخل تاکسی بین دو زن نشسته است، رادیو از برتری گفت و گو بر جنگ و غلبه کلمه بر شمشیر صحبت می کند.	قاضی پرونده با عبارت «در چشم خداوند عالم هر زندگی مقدسه» حرمت قتل را بیان می کند؛ خبرنگار خطاب به همسر سعید: «مگه همسر شما مأمور قانون بود که بخواد اقدام به پاکسازی این شهر کند؟» در سکانسی که سعید را برای اجرای حکم اعدام می بردند، تصور می کرد که مطابق قول دوستانش از در پشتی محل اجرای حکم فراری داده می شود، اما هنگام رسیدن به آن مکان، در پشتی بسته می شود؛ در واقع این بسته شدن در، بسته شدن در به روی قانون شکنان و نشان گر پیروزی قانون بر بی نظمی است.

در واقع به نظر می‌رسد این سه محتوای رسانه‌ای توانسته‌اند اهمیت پرداختن سیاست‌گذاران کیفری به موضوع زنان خیابانی را در حد قابل‌قبولی برجسته کنند. تمرکز این رسانه‌ها بر رفتارکردن با این افراد مطابق قانون و نیز نشان دادن قباحات قتل و خشونت علیه این قشر و همچنین نمایش احتمال علیت تعصب‌های مذهبی در وقوع چنین جرم‌هایی و هراس گروه‌های قدرت از متهم شدن به تحریک مردم به ارتکاب چنین جرم‌هایی، می‌تواند سیاست‌گذاران را در پذیرش زنان خیابانی به عنوان یک مؤلفه از جرم ناشی از نفرت ترغیب کنند.

با این حال در کنار جنبه‌های مثبت این سه محتوای رسانه‌ای، نقطه‌های ضعف متعددی نیز در این سه محتوا وجود دارد که اگر در تولیدات آینده رسانه بر آن‌ها تأکید شود، توان خنثی‌سازی جنبه‌های مثبت را دارند؛ در این صورت، این آثار نه تنها در شناساندن زنان خیابانی به عنوان یک مؤلفه از جرم‌های ناشی از نفرت شکست می‌خورند، بلکه تلنگری خواهند بود به سیاست‌گذاران کیفری برای در پیش گرفتن رویهٔ کنونی که همان سکوت در برابر وارد کردن زنان خیابانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های جرم ناشی از نفرت است. لذا به عنوان یک جمع‌بندی، نقطه‌های ضعف و قوت این محتواهای رسانه‌ای در قالب جدول ۴ ارائه می‌شود.

جدول ۴. مختصری از نقاط ضعف و قوت سه محتوای رسانه‌ای

عنوان اثر	نقاط ضعف	نقاط قوت
مستند و عنکبوت آمد	۱. نمایش زنان خیابانی به عنوان عامل اصلی فساد در جامعه در برخی از سکانس‌ها. ۲. در پیش گرفتن رویکردی محافظه کارانه در به تحلیل گذاشتن علت‌های اساسی وقوع پدیده زنان خیابانی.	۱. نمایش بعدهایی از واقع گرایی در رابطه با زنان خیابانی. ۲. ارائه تصویری حمایت‌گرانه از زنان خیابانی در برابر خشونت که توان قانع کردن کارفرمایان اخلاقی و سیاست‌گذاران کیفری را دارد.
فیلم عنکبوت	۱. تأکید بر پوپولیسم کیفری که می‌تواند روند اقناع شدن کارفرمایان اخلاقی را برای تغییر رویکرد با مانع مواجه کند. ۲. رویکرد محافظه کارانه و تلاش حداقلی برای خارج شدن از چارچوب‌های تعیین‌شده برای رسانه‌های داخلی.	۱. نمایش رگه‌هایی از اعتراض به وضعیت غیرحمایت‌گرانهٔ موجود جامعه از زنان خیابانی. ۲. استفاده از سیاست‌های مبتنی بر نفوذ در جهت تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران در برخی از سکانس‌ها.
فیلم عنکبوت مقدس	۱. سد کردن احتمال پذیرش پیام‌های ارائه شده در فیلم از جانب کارفرمایان اخلاقی جامعه به دلیل حمله و تخریب خارج از عرف فیلم‌سازی علیه گروه‌های قدرت، از جمله گروه‌های مذهبی. ۲. ارائه ابتذال جنسی زنان خیابانی و احتمال تأثیر معکوس بر کارفرمایان اخلاقی جامعه.	۱. استقلال در بیان و نمایش واقعیت‌های مرتبط با موضوع زنان خیابانی. ۲. تلاش حداکثری برای لایق حمایت نشان دادن زنان خیابانی در برابر خشونت.

ب) چالش‌های رسانه در سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت

در ذیل این بخش، دو چالش اساسی رسانه در جهت تأثیر بر سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت، یعنی "در تله قدرت بودن" و "ناتوانی در تأثیرگذاری مبتنی بر منطق و راهبرد علمی" مورد بررسی قرار گرفته است.

وابستگی و در تله قدرت بودن

رسانه‌ها برای آن‌که بتوانند به نسبت قدرتی که در تحولات زندگی بشر امروز دارند، بر سیاست‌گذاری‌ها به خصوص سیاست‌گذاری‌های کیفری نیز اثرگذار باشند، لاجرم باید از آن میزان آزادی برخوردار باشند که بتوانند فلسفه و غایت اصلی این سیاست‌گذاری را که همان امنیت است تأمین کنند یا در مسیر مهیا کردن آن قرار گیرند؛ چراکه محدودیت رسانه‌ها مانع به تحلیل گذاشتن کامل وقایع و رفتارهای نیازمند توجه رسانه می‌شود.

حال این محدودیت‌ها زمانی که موضوع چنین فعالیت‌ها و تحلیل‌هایی، تفاوت‌های موجود در بین افراد و گروه‌های حاکم بر جامعه (مؤلفه‌های موضوع جرم ناشی از نفرت) باشند، نه تنها ممکن است به دلیل راهبردهای کلان حکومت‌ها افزایش یابند، بلکه عدم اقبال چنین فعالیت‌هایی از جانب افراد و گروه‌های دارای قدرت بیشتر، موجب شکل‌گیری گروه‌های فشار و مطالبه‌گر از حکومت در جهت چشم‌پوشی رسانه‌ها از تحلیل ویژگی‌های متفاوت خواهد بود.

در واقع دموکراتیک شدن رسانه‌ها، عامل مهم تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران کیفری است (پرات، ۱۳۹۳: ۹۱). حال رسانه زمانی که آزادی عمل لازم برای فعالیت بدون ملاحظه اهرم‌های فشار موجود در جامعه را ندارد، برای اقناع گروه‌های دارای ویژگی متفاوت، ممکن است رویکرد مبهم و غیرشفافی را در رابطه با جرم‌های ناشی از نفرت علیه آن‌ها و چگونگی بازگو کردن آن‌ها در پیش گیرد؛ به این نحو که از سیاست‌های دوپهلوی در جهت راضی نگه داشتن صاحبان قدرت و گروه‌های فشار، و از طرفی اطمینان خاطر دادن به افراد یا گروه‌های دارای ویژگی متفاوت که وضعیت آن‌ها حاکی از لزوم سیاست‌گذاری است، استفاده می‌کند.

به عنوان مثال، رسانه در رابطه با پرونده سعید حنایی و وضعیت زنان خیابانی، با تن دادن به برخی مصاحبه‌ها با مردم عادی و بازنمایی کردن وضعیت غیرانسانی کارگران جنسی، از طرفی در پی تقبیح عمل انجام گرفته و لزوم برخورد سخت‌تر با این افراد از جانب مردم و حکومت بوده و از طرفی در پی نشان دادن حرمت قتل چنین زنانی بوده است. گرچه هر مخاطبی از جمله سیاست‌گذاران ممکن است برداشت متفاوتی از رویکرد فعالیت‌های رسانه‌ای فوق داشته باشند، لیکن شفافیت رسانه‌ها به دلیل نداشتن استقلال مورد خدشه است؛ و تا زمانی که شفافیت حاکم نباشد، سیاست‌گذاری یا غیرممکن است یا در بهترین حالت، سرشار از عدم عقلانیت و نادیده‌انگاری فلسفه سیاست‌گذاری کیفری در رابطه با جرم‌های ناشی از نفرت خواهد بود.

نکته مهم دیگر این است که این عدم استقلال و در پی هدف‌هایی غیر از سوژه اصلی فعالیت رسانه‌ای بودن، موجب شده است که زن در این فعالیت‌های رسانه‌ای، به‌خصوص در فیلم "عنکبوت مقدس"، به‌عنوان یک ابژه جنسی که عامل فساد است و باید زودتر از روی زمین پاک شود نمایش داده شود؛ و این نحوه عرضه شدن زن در قالب یک فعالیت رسانه‌ای، خطر "دیگری‌سازی زنان"^۱ را به‌دنبال دارد. در واقع "دیگری‌سازی رسانه‌ای"^۲ در رابطه با زنانی که انگ هرزگی و تن‌فروشی را به دوش می‌کشند، عامل مهمی است که رسانه را از غایت خود دور سازد و تأثیرگذاری‌اش بر سیاست‌گذاران جهت اتخاذ رویکردهای حمایتی به حداقل برسد. از طرفی، رسانه‌ها در جهت همراه کردن قشر نخبه در جامعه با سیاست‌های خود، وضعیت زنان خیابانی را نتیجه فقر، طلاق، ازدواج در سن‌های پایین و غیره می‌دانند.

موضوع دیگری که عدم استقلال رسانه‌ها موجب می‌شود تا سیاست‌گذاری کیفری به‌درستی در مسیر واقعی خود قرار نگیرد، روایت‌گری جانبدارانه است (قلی‌زاده، ۱۴۰۲: ۸)؛ به این معنی که وابستگی رسانه‌ها به منابع قدرت باعث می‌شود قدرت نقد حکومت و گروه‌های قدرت را به‌عنوان قسمتی مهم از پازل سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت نداشته باشند. به‌عنوان مثال، در مستند "و عنکبوت آمد" و فیلم "عنکبوت"، هیچ‌گاه عاملان ترویج اندیشه‌های خشونت‌آمیز علیه زنان خیابانی مورد بررسی قرار نگرفتند. بنابراین رسانه‌ها بسته به گستردگی چارچوبی که وظایف و اختیارات آن‌ها در آن تعریف می‌شود، می‌توانند نسبت به تعیین یا تغییر سیاست‌های اتخاذی راجع به زنان خیابانی به‌عنوان یک مؤلفه از جرم ناشی از نفرت مؤثر باشند.

برای روشن شدن این نقیصه و چالش رسانه در مورد جرم ناشی از نفرت و تأثیر سوء احتمالی آن بر سیاست‌گذاری کیفری، سه محتوای رسانه‌ای موضوع این پژوهش در قالب جدول ۵ مورد بررسی قرار می‌گیرند:

جدول ۵. نتایج در تله قدرت بودن رسانه

محورهای تحلیلی	مستد و عنکبوت آمد	فیلم عنکبوت	فیلم عنکبوت مقدس
۱. خطر دیگری سازی زنان	زن خیابانی به عنوان اغواگر، عامل تحریک مردان و ایجاد فساد (در صحبت های سعید، مادر سعید، برادر سعید و بازاری ها) از جریان اصلی (یعنی مردان و زنان دیگر) جدا پنداشته شده است.	در تیتراژ ابتدایی فیلم، دیواری سیاه، بد رنگ و دارای لکه های رنگی نشان داده می شود که با گچ بری سفید می شود؛ از آنجایی که سعید شغلش گچ بری بوده، این نمادسازی سیاه (زنان خیابانی) و سفید (سعید و تفکراتی مانند تفکر سعید) به دیگری پنداشتن زنان خیابانی و مستحق حذف شدن آن ها اشاره می کند. عبارتی چون "مرغانونو جمع کنید، خروسا ولن" (مادر سعید)، نشان گر علت تلقی کردن زن در رابطه علت و معلولی فساد است.	اغواگر جلوه دادن زن با آرایش های غلیظ و رفتارهای جلب کننده؛ برای مثال در یکی از سکانس های فیلم، فیلم بردار زمانی که سعید سوار بر موتور است دو زن خیابانی را به نمایش می گذارد که یکی از آن ها سعید را به طور مستمر نگاه می کند؛ رفتارهای این زن و تلفیق آن با موسیقی فیلم، خبر از وضعیت نابسامان وقایع ای در آینده می دهد که عامل آن زنان خیابانی هستند.
۲. رویکرد جانبدارانه	عدم پرداختن به ریشه های "زن خیابانی هراسی" و امتناع از بیان علت های فرهنگی و اجتماعی در پیدایش زنان خیابانی و ستیز با آن ها.	در این فیلم گرچه سعید به عنوان فردی شکاک (در قبال زنش؛ تعقیب او در داخل شهر که مبدا تن فروشی کند و نیز در قبال بچه هايش؛ دیوار کشی بین اتاق بچه ها و تبدیل کردن آن به دو اتاق از ترس این که ممکن است با هم رابطه ای داشته باشند) و دارای مشکل روانی ناشی از جبهه جلوه داده شده است، اما این عامل ها پوششی است برای روی گردانی از نقد علت های اساسی چنین رخدادی و نیز رعایت خط منشی کارفرمایان اخلاقی جامعه.	این فیلم گرچه در فضایی خارج از کنترل کارفرمایان اخلاقی جامعه ایران ساخته شده است، لیکن نمایش آسیب روانی سعید (عصبانیت شدید او به ویژه زمانی که با خانواده به تفریح رفته و توپ پسرش به سرش برخورد می کند) موجب شده است که سعید به عنوان فردی که به صورت ارادی چنین اقداماتی را انجام داده باشد، جلوه نکند.
۳. رویکرد دوگانه (بازنمایی و در عین حال تلاش برای گذر از تفاوت ها)	بازنمایی از طریق پوپولیسم و القای استحقاق مرگ برای زنان خیابانی (در صحبت های سعید، همسر وی، پسرش، برادر سعید و بازاری ها)؛ از طرفی با قربانی شرایط جلوه دادن زنان خیابانی و همچنین تأکید بر قانون و مطابق قانون برخورد کردن با چنین افرادی، و از سوی دیگر عرضه ظرفیت هایی از تأثیر بر سیاست گذاران کیفری برای توسعه مفهومی جرم ناشی از نفرت.	توسل به پوپولیسم در تأیید اقدام های سعید حنایی به عنوان پشتوانه بازنمایی شخصیت او و جلوه دادن سعید به عنوان فردی بهنجار و بی گناه؛ (برای مثال در یک سکانس که سعید بعد از اتمام کارش زمانی که منتظر تاکسی است، فیلم بردار حدود ده ثانیه بر روی او زوم می کند، در حالی که دیوار پشت سر سعید دیوار نوشته ای است با واژه "بهشت")، از طرفی صحبت های قاضی پرونده و دو نفر از بازاری ها در قبیح دانستن قتل ها و نیز قربانی شرایط محیطی جلوه دادن زنان خیابانی، رویکرد دوگانه این فیلم را نشان می دهند.	تأکید بر پوپولیسم (استفاده فراوان از کلیدواژه مردم؛ "مردم پدرم را دوست دارند"، "خواست مردم"، "مردم دوست ندارند محکوم شود" و غیره) برای توجیه اقدام های سعید از طریق بازنمایی واقعیت؛ و از طرفی تأکید بر قانون از طرف قاضی در رابطه با زنان خیابانی و احترام به این زنان (به طور مثال خریدن غذا برای یکی از این زنان و صحبت کردن با او از جانب زن خبرنگار). نمایش ادای احترام قربانی اول سعید در صحن حرم که نمایان گر پیوند این زنان با هنجارهای جامعه است؛ همچنین نشان دادن کارگری جنسی و ربط دادن آن به مسئله های اقتصادی صرف (برای مثال زوم فیلم بردار بر تابلو مذهبی و تقدیر نامه کوبیده شده به دیوار مردی که اولین زن قربانی سعید را برای رابطه جنسی به خانه برده است) گویای گذر از ویژگی متمایز کارگر جنسی بودن است.

بنابراین با توجه به مباحث مطرح‌شده در جدول ۵، نشانه‌هایی از در تله قدرت بودن و وابستگی محتواهای رسانه‌ای مذکور وجود دارد، به نحوی که با تمرکز و مورد تحلیل قرار دادن آن‌ها از زاویه‌های مختلف، این نقیصه را می‌توان مشاهده کرد. در واقع در هر سه محتوای مذکور، رگه‌هایی از خطر دیگری‌سازی زنان خیابانی وجود دارد که این امر موجب می‌شود پذیرش زنان خیابانی به عنوان یک مؤلفه مورد حمایت از جرم ناشی از نفرت برای کارفرمایان اخلاقی دشوار شود و از سوی دیگر کارفرمایان اخلاقی در برابر سیاست‌گذاری راجع به این موضوع مقاومت نشان دهند.

از طرفی رویکرد جانبدارانه در این سه محتوا از طریق تلاش برای غیرارادی نشان دادن قتل‌ها و روی‌گردانی از تحلیل علت‌های کلان قتل زنان خیابانی، می‌تواند روند سیاست‌گذاری را با مانع روبه‌رو کند. موضوع دیگری که قابل ذکر است، تلاش برای بازنمایی زنان خیابانی از طریق پوپولیسم کیفری است؛ جایی که مردم هم برائت قاتل و هم از بین بردن زنان خیابانی را خواستارند.

ناتوانی در تأثیرگذاری مبتنی بر منطق و راهبرد علمی

با وجود این‌که تأثیر رسانه‌ها بر سیاست‌گذاری‌های مختلف در جامعه‌های امروزی امری بدیهی است، ولی رسانه‌ها توان تأثیرگذاری اصولی و منطبق با راهبردهای مشخص و علمی را ندارند؛ به این معنی که خوراک رسانه جهت سیاست‌گذاری بسیار خام و نامنسجم است و دلیل این وضعیت، تحلیل‌های سطحی رسانه‌ها، مبتنی بودن بر پوپولیسم و هم‌سو نبودن تمامی رسانه‌ها به عنوان یک کل نامنسجم است. از طرفی رسانه‌ها به دلیل دوری از مرکز سیاست‌گذاری، اشراف کافی بر اصول سیاست‌گذاری و ماهیت آن را ندارند و همین مسئله خود عاملی است که رسانه‌ها را در راستای سیاست‌گذاری با چالش مواجه می‌کند. حال این چالش در رابطه با سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت به عنوان یک پدیده غیرقابل انکار در جامعه بسیار پررنگ‌تر است؛ چراکه در وهله اول، پیچیدگی مفهومی این جرم مستلزم اشراف بر ابعاد متکثر آن است. در وهله دوم، جدید بودن چنین جرمی شناخت ابعاد آن را مشکل کرده است. در وهله سوم، برخی مؤلفه‌های جرم ناشی از نفرت مانند کارگر جنسی بودن به دلیل تعارض با قانون‌ها و مقررات برخی از کشورها چون ایران و عدم درک فلسفه جرم ناشی از نفرت و خلط و عدم تمایز بین موضوع جرم ناشی از نفرت بودن و حق پنداشتن چنین مؤلفه‌ای، به سختی قابلیت ابراز در رسانه را دارند. در واقع مهم‌ترین عامل که رسانه‌ها را در تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری جرم‌های ناشی از نفرت، به ویژه در رابطه با مؤلفه‌های غیرقانونی مانند زن خیابانی بودن ناتوان جلوه داده است، عدم تفکیک قائل شدن در حق دانستن این مؤلفه‌ها و لایق حمایت جلوه دادن چنین ویژگی و مؤلفه‌ای است.

و این نقیصه و چالش در سه محتوای رسانه‌ای که موضوع این پژوهش هستند، به‌طور کامل واضح است.

جرم ناشی از نفرت به‌خصوص مؤلفه‌های مبتنی بر جنس و جنسیت، از جمله پرطرفدارترین موضوعات برای رسانه‌ها می‌باشند. حال این رسانه‌ها اگر در چارچوب‌بندی سیاست‌گذاری کیفری، مطابق سنت دیرینه رسانه‌ها که همان عامه‌پسندی است حرکت کنند، نمی‌توان قائل به پیشرفت کیفی در سیاست‌گذاری بود. از این جهت، از حدود سه دهه قبل، "جرم‌شناسی خبرساز" به‌منظور شکل‌دهی به سیاست‌های کیفری ایجاد شده است. همان‌گونه که گرگ باراک، مبدع این نظریه بیان می‌دارد:

«جرم‌شناسی خبرساز، بخشی از چارچوب‌بندی و چارچوب‌بندی مجدد ایده‌ها در مورد جرم و عدالت است» (باراک^۱، ۲۰۱۶: ۱۰)؛ به این‌ نحو که هدف این نظریه، دخیل کردن جرم‌شناسان و متخصصان علوم جنایی در تحلیل وقایع در رسانه‌ها و غلبه بر نمایش‌ها و ارائه‌های عامه‌پسندانه و عاری از تحلیل علمی است.

حال رسانه‌های ایران به‌دلیل عدم بهره‌گیری از رویکردهای این‌چنینی به جرم‌های ناشی از نفرت در تولیدات خود، فرصت مشارکت را برای چارچوب‌بندی جرم‌های ناشی از نفرت از دست می‌دهند. به‌طور مثال در رابطه با سیاست‌گذاری مرتبط با زنان خیابانی در تولیدات رسانه‌ای مورد اشاره در این پژوهش، رسانه نتوانسته است راهبردهای علمی خود در این باره را بر روایت‌گری‌های عامه‌پسند تحمیل کند؛ و لذا قالب ارائه‌شده برای عرضه به سیاست‌گذاران، بیش از آن‌که قابل طرح به‌عنوان یک آورده علمی باشد، متأثر از تحلیل‌های سطح‌پایین از جرم است.

نتیجه‌گیری

امروزه رسانه نه‌تنها در زمینه آموزش و ارائه اطلاعات، بلکه در تصمیم‌گیری راجع به بعدهای مختلف زندگی بشر نقش مهمی دارد، به‌نحوی که کمتر سیاست‌گذاری را می‌توان ملاحظه کرد که تحت تأثیر رسانه‌ها قرار نگرفته باشد. با این حال، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های نفوذ رسانه، حوزه سیاست‌گذاری کیفری است؛ حوزه‌ای که به‌دلیل مرتبط بودن با امنیت و حفظ نظم عمومی، نقش پررنگی در تعالی جامعه‌های بشری دارد.

یکی از مهم‌ترین موضوع‌ها در حقوق کیفری، سیاست‌گذاری در مورد "جرم ناشی از نفرت" است؛ جرمی که در آن یک فرد یا گروه به‌دلیل داشتن یک ویژگی متمایز، متحمل رفتارهای مجرمانه‌ای از سوی افراد یا گروه‌هایی با ویژگی‌های متفاوت می‌شوند.

در این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نیز تحلیل محتوای کیفی رسانه‌های صوتی و تصویری، به بررسی یکی از مصادیق جرم ناشی از نفرت، یعنی قربانی شدن زنان خیابانی در

نتیجه قتل‌های زنجیره‌ای سعید حنایی در رسانه پرداخته شد. در واقع محتواهای رسانه‌ای که موضوع آن‌ها تحلیل و روایت‌گری قتل‌های زنجیره‌ای علیه زنان خیابانی با محوریت پرونده سعید حنایی است (یعنی مستند "و عنکبوت آمد" و فیلم‌های "عنکبوت" و "عنکبوت مقدس")، در جهت پاسخ به امکان‌سنجی تأثیر رسانه بر سیاست‌گذاری کیفری جرم ناشی از نفرت، موضوع اصلی این پژوهش را تشکیل دادند.

در این پژوهش معلوم شد که گرچه از جانب گروه‌های قدرت و سایر کارفرمایان جامعه به‌ویژه جامعه مذهبی، مقاومت زیادی برای حمایت از زنان خیابانی در قالب جرم ناشی از نفرت وجود دارد، لیکن با توجه به این‌که رسانه‌ها، به‌ویژه سه محتوای رسانه‌ای مذکور، دارای ظرفیت‌هایی برای نمایش وضعیت "اشباع تحمل" زنان کارگر جنسی و نیز احتمال تکرار چنین وقایع‌ای هستند، این امکان وجود دارد که در داخل کردن زنان خیابانی در تعریف جرم ناشی از نفرت به‌عنوان یک مؤلفه، از طریق سیاست افشاگری و نظریه نفوذ اجتماعی و با تکیه بر راهبردهای جرم‌شناسی خبرساز، بر سیاست‌گذاران کیفری تأثیرگذار باشند.

البته در مسیر تأثیر رسانه بر سیاست‌گذاری جرم ناشی از نفرت، چالش‌هایی از جمله عدم استقلال رسانه‌ها و نیز عدم توان تأثیرگذاری منطبق بر راهبردهای علمی وجود دارد که سرعت این روند و کیفیت سیاست‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. با این حال، نحوه نمایش زنان خیابانی، وضعیت آنان و تفکرهای قشرهای مختلف جامعه راجع به قباحات چنین عمل‌های مجرمانه‌ای علیه این افراد در رسانه، می‌تواند نویدبخش قانع شدن سیاست‌گذاران کیفری و کارفرمایان اخلاقی جامعه در جهت گسترش دامنه جرم ناشی از نفرت و گنجاندن کارگری جنسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های جرم ناشی از نفرت باشد.

از سوی دیگر، رویکرد محافظه‌کارانه در برخی از این فعالیت‌های رسانه‌ای و وابستگی آن‌ها به منابع قدرت و نیز نداشتن رویکردهای مبتنی بر علم، رسانه را در زمینه تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران کیفری با چالش روبه‌رو کرده است. لذا با توجه به این مباحث، پیشنهادهایی به شرح ذیل برای قانون‌گذار، سازندگان محتواهای رسانه‌ای و در نهایت پژوهشگران آینده ارائه می‌شود.

الف) پیشنهاد به سیاست‌گذاران کیفری

۱. ارائه تعریفی روشن از جرم ناشی از نفرت: به‌منظور بهره‌برداری از آن توسط رسانه و دیگر اجزای تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری کیفری جرم‌های ناشی از نفرت.
۲. بهره‌گیری از محتواهای کارشناسی: استفاده از محصولات رسانه‌ای مبتنی بر تحلیل‌های عمیق و علمی در راستای سیاست "تأثیر متقابل" رسانه و سیاست‌گذاران کلان جامعه به‌منظور تدوین قانون‌ها.

۳. توسعه آزادی‌های رسانه‌ای: تلاش در جهت اعطای آزادی بیشتر به رسانه‌ها برای به‌نمایش گذاشتن مسئله‌هایی که ممکن است به‌ظاهر مخالف هنجارهای اجتماعی و فرهنگی باشند.

ب) پیشنهاد به سازندگان محتواهای رسانه‌ای

۱. حفظ بی‌طرفی رسانه‌ای: پرداختن به مسئله‌های مربوط به زنان خیابانی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های جرم‌ناشی از نفرت نباید تحت شعاع اغراض سیاسی قرار گیرد و بی‌طرفی به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم در تولید رسانه‌ای باید مورد توجه باشد.
۲. تفکیک میان بزه‌دیدگی و مشروعیت رفتار: تلاش برای نشان دادن ضرورت حمایت از قربانی جرم‌های ناشی از نفرت و تفاوت قائل شدن بین "محق بودن زنان خیابانی" و "لایق حمایت قانونی بودن آن‌ها در برابر خشونت".
۳. تولید محتوای علم‌محور: تولید محتوا باید مبتنی بر شناخت علمی از مفهوم جرم‌ناشی از نفرت و بهره‌گیری از علوم مرتبط مانند جرم‌شناسی و روان‌شناسی جنایی باشد.

پ) پیشنهاد به پژوهشگران آینده

۱. مراحل فرآیند تأثیرگذاری: بررسی عمیق‌تر ارتباط رسانه و سیاست‌گذاری در جهت شناسایی گام‌ها و مراحل تأثیرگذاری محتواهای رسانه‌ای بر سیاست‌گذاری کیفری.
۲. تحلیل‌های بومی و بسترشناختی: تلاش در جهت تحلیل موردی محتواهای رسانه‌ای متضمن جرم‌های ناشی از نفرت، با توجه به بسترهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه ایران.

منابع

- پرات، جان (۱۳۹۳). پوپولیزم کیفری از ساختار تا گریز از عوام‌گرایی. ترجمه مجید شعبانی و مسعود باقری. تهران: انتشارات جنگل.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۴۰۱). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- قدمی عزیزآباد، مصیب (۱۴۰۳). تأثیر بازنمایی رسانه‌ای جرم بر دادرسی منصفانه با تأکید بر پرونده آتنا اصلانی. رسانه، ۳۵(۳)، ۱۵۳-۱۳۱. <https://doi.org/10.22034/bmsp.2023.392481.1861>
- قلی‌زاده، محمدعلی؛ خانیکی، هادی، راد، فیروز و محمدزاده، مرتضی (۱۴۰۲). روندها و بایسته‌های سیاست رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در حوزه فضای مجازی. رسانه، ۳۴(۱)، ۵-۲۲. <https://doi.org/10.22034/bmsp.2022.325941.1679>
- قورچی بیگی، مجید و رضائیان کوچی، محمدرضا (۱۳۹۹). «تحلیلی بر بایسته‌های سیاست کیفری بزه دیده‌مدار در جرائم ناشی از نفرت. پژوهش حقوق کیفری، ۹(۳۲)، ۲۱۳-۲۲۴. <https://doi.org/10.22054/jclr.2020.43816.1934>
- کوهن، استنلی (۱۳۹۹). شیاطین شهر و هراس اخلاقی، ساخته شدن مدها و راکرها. ترجمه اسماعیل یزدان‌پور.

تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
لوئیس، کلارا (۱۳۹۹). آیا در مورد جرایم نفرت محور سخت‌گیری می‌شود؟ سیاست‌های فرهنگی جرایم نفرت محور. ترجمه معاذ عبد‌الهی و بهار محمدی. تهران: انتشارات مهرکلام.
موسی‌زاده کوفی، مهدی؛ نجفی ابرنآبادی، علی حسین، شاملو، باقر و محمودی جانکی، فیروز (۱۴۰۲). نقش دموکراسی در مشروعیت بخشی سیاست‌گذاری و فرآیند کیفری. تحقیقات حقوقی، ۲۶(۱۰۴)، ۱۱-۳۶.

Doi:10.29252/jlr.2022.227031.2214

مهر، نسرتین؛ یکرنگی، محمد و مودن، عباس (۱۳۹۷). سیاست کیفری ایران بعد از انقلاب در تعزیرات. مجله حقوقی دادگستری، ۸۲(۱۰۳)، ۱۷۵-۲۰۰. <https://doi.org/10.22106/jlj.2018.33935>
مولر، یان ورنر (۱۴۰۱). پوپولیسم چیست؟ ترجمه بابک واحدی. تهران: انتشارات بیدگل.

Barak, G. (2016). Newsmaking Criminology, Policy Making, and Popular Culture: Reflections from the Margins. *Criminal Justice and Popular Culture Newsmaking Criminology*, 18(1), 9-21.

Cohen, S. (2020). *Folk devils and moral panics: the creation of the Mods and Rockers*. translated by Esmail Yazdanpour. Tehran, institute for research of culture. Art and communication publications. [In persian]

Carpenter, A., & Greene, K. (2015). *Social Penetration Theory*. Doi: 10.1002/9781118540190.wbeic160.

Chen, Z. (2024). How does the media contribute to the rise of hate crimes against foreign domestic helpers in Hong Kong? An unfair problem frame and agenda setting. *Front. Sociol.* doi: 10.3389/fsoc.2024..1374329

Caeiro, M. (2020). *Media and populism in search of the roots of the exceptionality of the Portuguese case*. 101-114. In: populisms: a n introduction, relações internacionais special issue. <https://doi.org/10.23906/ri2020.sia07>

Castano-Pulgarin, S., Suárez-Betancur, N., Tilano, L., & Herrera López, M. (2021). Internet, social media and online hate speech. Systematic review. *Aggression and Violent Behavior*. 58.

Ghadami azizabad, M. (2024). The Impact of Media Representation of Crime on Fair Trial with Emphasis on Atena Aslani Case. *Rasaneh*, 35(3), 131-153. [In persian] doi: 10.22034/bmsp.2023.392481.1861

Gholizadeh, M. A., khaniki, H., Rad, F., & Mohammadzadeh, M. (2023). Trends and Requirements of the IRI Media Policy in the Field of Cyberspace. *Rasaneh*, 34(1), 5-22. [In persian] doi: 10.22034/bmsp.2022.325941.1679

Ghurchibeigi, M., & Rezaeian Koochi, M. R. (2020). An Analysis of Victim-Oriented Penal Policy Requirements for Hate Crimes. *Journal of Criminal Law Research*, 9(32), 213-244. [In persian] doi: 10.22054/jclr.2020.43816.1934

Greer, C. (2013). *Crime and media: understanding the connections*. In: Hale, C, Hayward, K, Wahadin, A, & Wincup, E (eds.) *criminology* 143- 164. Oxford. UK. Oxford university press.

Grossman, E. (2022). Media and Policy Making in the Digital Age. *Annual Review of Political Science*. 25.

Hatcher, J. M. (2002). "Hate crime in the media: A content analysis of *The Washington Post* and *The New York Times*. Graduate Theses. Dissertations. and Problem Reports.

Harcup, T., & O'Neill, D. (2016). What is News? News values revisited (again). *Journalism Studies*, 18(12), 1470-1488. <https://doi.org/10.1080/1461670X.2016.1150193>

Hall, S. W. (1980). *encoding/decoding*. in s. hall, d. hobson, a. lowe, & p. willis (eds.). *culture, media. language: working papers in cultural studies*, 63-87, london: hutchinson.

Hafeznia, M. R. (2022). *An introduction the research method in humanities*. Tehran, Samt publications. [In persian]

Holt, V., & Gott, C. (2022). The Limits of Vulnerability: Arguments Against the Inclusion of Sex Workers Within Hate Crime Policy in England and Wales. *International Journal of Gender, Sexuality and Law*. 2. 360-393. doi: 10.19164/ijgsl. v2i1.1266.

Jacobs, J. B., & Henry, J. S. (1996). The Social Construction of a Hate Crime Epidemic, 86 *J. Crim. L. & Criminology*, 366-391.

Muller, K., & Schwarz, C. (2021), *Fanning the Flames of Hate: Social Media and Hate Crime. the*

- European Economic Association, 19(4), 2131–2167. <https://doi.org/10.1093/jeea/jvaa045>
- Lewis, C. S. (2020). *though on hate? the cultural politics of hate crimes*. translated by Maaz Abdolahi and Bahar Mohammadi. Tehran: Mehrekalam publications. [In persian]
- Muller, Jan- W. (2022). *What is populism?*. translated by Babak Vahedi. Tehran: Bidgol publications. [In persian]
- Mazzoleni, G. (2008). *Populism and the Media*. In: Albertazzi, D., McDonnell, D. (eds). Twenty-First Century Populism. Palgrave Macmillan. London. https://doi.org/10.1057/9780230592100_4
- Muller, K., & Schwarz, C. (2021). From Hashtag to Hate Crime: Twitter and Anti Minority Sentiment. *American Economic Journal: Applied Economics*, 15(3), 270–312.
- Musazadeh, Kofi, M., Najafi Abrand Abadi, A. H., shamloo, B, mahmoudi, F. (2024). The Role of Democracy in the Legitimacy, Policy-Making and Criminal Process. *Legal Research Quarterly*, 26(104), 11-36. [In persian] doi: 10.29252/jlr.2022.227031.2214
- Mehra, N., Yekrangi, M., & Moazzen, A. (2018). Discourse Analysis of Iranian Penal Policy in Taziraat after Islamic Revolution. *The Judiciary Law*, 82(103), 175-200. [In persian] doi: 10.22106/jlj.2018.33935
- Pratt, J. (2014). *Penal populism, key ideas in criminology*. translated by Majid Shabani and Masoud Bagheri, Tehran: Jungle publications. [In persian]
- Sanders, T., Scouler, J., & Campbell, R. (2024). Sex Work, Hate Crime and the Criminal law. *Criminal Law*, 86(2), 109-125. <https://doi.org/00220183221086679>
- Sanders, T., & Campbell, R. (2007). Designing out vulnerability, building in respect: violence, safety and sex work policy. *The British journal of sociology*, 58(1), 1–19. <https://doi.org/10.1111/j.1468-4446.2007.00136.x>
- Schweppe, J. (2021). *What is a hate crime?* Cogent social sciences.7: 1902643
- Sen, A. (2011). *Peace and Democratic Society*. Cambridge, United Kingdom: Open Book Publishers. [Pdf] Retrieved from the Library of Congress. <https://www.loc.gov/item/2019467812/>
- Turpin-Petrosino, C. (2015). *Understanding hate crimes: Acts, motives, offenders. victims, and justice*. Routledge/Taylor & Francis Group. <https://doi.org/10.4324/9780203883693>
- Yesmen, N., Naha, A., & Sharmin, S. (2023). hate crimes in social media: a criminological review. *International Journal of Social Science*, 3 و 23-28. DOI: 10.53625/ijss. v3i1.5607.

© Authors, Published by Department of Media Development Education. This is an open-access paper distributed under the CC BY (license <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

